

**Comparative study of the electoral system of the National Assembly of France and the Islamic Council of Iran**

Alireza Salawati<sup>1</sup>

Hojjatallah Darvishpour<sup>2</sup>

Ahmad Bakshayesh Ardestani<sup>3</sup>

Masoud Motalebi<sup>4</sup>

Comparative study of the electoral system of the National Assembly of France and the Islamic Council of Iran" Abstract Among the interesting and important categories in legal and political issues is the study of electoral systems in different legal systems. Naturally, the comparative study of electoral systems can show the weaknesses and strengths of these systems, and modeling successful electoral systems can help to fix the flaws in other electoral systems. The electoral system of the Islamic Republic of Iran and the French Republic, while similar, also have fundamental differences. The current study aims at comparing these two electoral systems. The hypothesis of this research is that both electoral systems are similar in relation to the quality of the elections, executive electoral institutions and supervisory institutions from one side, and regarding the voting method, independence and plurality of supervisory institutions, election administrators, election campaigns and people's monitoring of the election process have clear differences from each other. The general result of this article is that the most important difference between the parliamentary elections in France and Iran is in the field of executive and supervisory institutions, so that while holding elections in Iran is exclusively under government's control, in France, other independent institutions such as municipalities and independent citizens also play an important role in holding the elections. On the other hand, supervision of Iran's parliamentary elections is essentially , discretionary type and it's domain is very broad - which means from the stage of monitoring the authenticity of the candidates to confirming and canceling the elections - and in terms of the competent institution for implementation, It is the monopolized by the Guardian Council, while the supervision of the elections of the French National Assembly is divided among several institutions, and the Guardian Council of the French Constitution does not have an inherent authority to supervise the election process, and only if this institution is requested, such authority for this institution is created.

**Keywords:** Electoral systems, French National Assembly, Islamic Council, elections, pluralism.

---

<sup>1</sup> Political science student, Central Tehran Islamic Azad University, Tehran, Iran

<sup>2</sup>Assistant Professor, Department of Political Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

<sup>3</sup> Professor of the Department of Political Thought and Iranian Issues, Central Tehran School of Political Science, Islamic Azad University, Tehran, Iran

<sup>4</sup>Assistant Professor, Department of Political Thought and Iranian Issues, Central Tehran School of Political Science, Islamic Azad University, Tehran, Iran

<http://doi.org/10.30510/pssci.2024.429564.1036>

## بررسی تطبیقی سیستم انتخاباتی مجمع ملی فرانسه و مجلس شورای اسلامی ایران

علیرضا صلواتی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۹/۱۱/۱۴۰۲

حجت‌اله درویش‌پور<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۲۲/۱۲/۱۴۰۲

احمد بخشایش اردستانی<sup>۳</sup>

مسعود مطلبی<sup>۴</sup>

### چکیده

از جمله مقولات جالب توجه و مهم در مباحث حقوقی و سیاسی، مطالعه سیستم‌های انتخاباتی در نظام‌های حقوقی مختلف است. طبعاً مطالعه تطبیقی سیستم‌های انتخاباتی می‌تواند نشانگر نقاط ضعف و قوت این سیستم‌ها باشد و الگوپردازی از نظام‌های موفق انتخاباتی می‌تواند به رفع نقص‌های موجود در سیستم انتخاباتی دیگر کمک کند. سیستم انتخاباتی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری فرانسه، در عین وجود برخی شباهت‌ها، تفاوت‌های بنیادی نیز با یکدیگر دارند. پژوهش حاضر در صد بررسی مقایسه‌ای این دو سیستم انتخاباتی است. فرضیه این پژوهش، آن است که هر دو سیستم انتخاباتی در ارتباط با کیفیت انتخابات، نهادهای مجری انتخابات و نهادهای نظارتی، دارای تشابه هستند و در عین حال در مورد شیوه رأی‌دهی، استقلال و تکثر نهادهای نظارتی، مجریان انتخاباتی، تبلیغات انتخاباتی و نظارت مردمی بر روند انتخابات، تفاوت‌های بارزی با یکدیگر دارند. نتیجه کلی حاصل از نوشتار حاضر، آن است که مهم‌ترین تفاوت انتخابات مجلس در دو کشور فرانسه و ایران، در حوزه نهادهای اجرایی و نظارتی است به این صورت که در حالیکه اجرای انتخابات در ایران، منحصراً در دست دولت است لیکن در فرانسه، دیگر نهادهای مستقل مانند شهرداری‌ها و همچنین شهروندان مستقل نیز نقش مهمی در اجرای انتخابات دارند. از سوی دیگر، در حوزه نظارتی نیز نظارت بر انتخابات مجلس ایران، از حیث ماهیت، از نوع استصوابی و از حیث قلمرو، بسیار گسترده - یعنی از مرحله تأیید صلاحیت نامزدها تا تأیید و ابطال انتخابات - و از حیث نهاد صالح برای اجرا، در انحصار شورای نگهبان است حال آنکه نظارت بر انتخابات مجمع ملی فرانسه، بین چند نهاد متکثر تقسیم شده و شورای نگهبان قانون اساسی فرانسه، صلاحیت ذاتی برای نظارت بر روند انتخابات را نداشته و فقط در صورتی که از این نهاد درخواست شود، چنین صلاحیتی برای این نهاد، ایجاد می‌شود. **واژگان کلیدی:** سیستم - های انتخاباتی، مجمع ملی فرانسه، مجلس شورای اسلامی، انتخابات، تکثرگرایی.

<sup>۱</sup> دانشجوی علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی، تهران، ایران.

<sup>۲</sup> استادیار گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

<sup>۳</sup> آستاد تمام گروه اندیشه سیاسی و مسائل ایران، دانشکده علوم سیاسی تهران مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

<sup>۴</sup> استادیار گروه اندیشه سیاسی و مسائل ایران، دانشکده علوم سیاسی تهران مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

موضوع بررسی تطبیقی نظام‌های سیاسی از قدیم یکی از شیوه‌های رایج مطالعات سیاسی بوده است. مفهوم انتخابات یکی مفاهیم اساسی و پایه‌ای در علوم سیاسی است که در دوران معاصر، خصوصاً در دموکراسی‌های مدرن همواره مورد توجه ویژه صاحب‌نظران بوده است. کشور فرانسه یکی از قدیمی‌ترین دموکراسی‌های جهان است که نظام سیاسی و انتخاباتی این کشور یکی از کارآمدترین نظام‌ها در دوران معاصر است. بنابراین مطالعه تطبیقی نظام انتخاباتی جمهوری فرانسه با جمهوری اسلامی ایران، می‌تواند به فهم کاستی‌ها و مشکلات نظام انتخاباتی ایران کمک شایانی کند و با کمک این مطالعه تطبیقی می‌توان به الگو برداری و ارائه راهکارهایی جهت رفع این مشکلات پرداخت. از آنجا که سیستم انتخاباتی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری فرانسه دارای مشابهت‌های فراوانی بوده و در عین حال تفاوت‌هایی نیز با یکدیگر دارند؛ مورد مناسبی برای مقایسه تطبیقی به شمار می‌آیند.

اصلی‌ترین ویژگی جمهوری پنجم فرانسه استفاده از یک سیستم دو مرحله‌ای برای انتخابات ریاست جمهوری و مجلس قانونگذاری است. در انتخابات مجلس ملی فرانسه هر نامزد نیاز به کسب حداقل ۱۲/۵ درصد از آراء رای‌دهندگان دوره اول دارد تا واجد شرایط حضور در دور دوم انتخابات باشد. اما برای انتخاب شدن در مرحله اول انتخابات، رای اکثریت مطلق لازم است و در صورت عدم کسب اکثریت مطلق، انتخابات به مرحله دوم کشیده خواهد شد. در مرحله دوم که مبتنی بر اکثریت نسبی است، آراء با فرمول خاصی تبدیل به کرسی می‌شوند. در حالت عادی، یک حزب باید انتظار داشته باشد که با یک سهم آراء مشخص، کرسی‌هایی را بدست آورد؛ در یک سیستم کاملاً متناسب، سهم کرسی باید برابر سهم آراء باشد. حزبی که ۱۰ درصد آراء را کسب کند، ۱۰ درصد کرسی‌ها را به دست می‌آورد. اما تقریباً در هیچ‌جا تناسب کاملی بین سهم کرسی و سهم آراء حتی در سیستم‌های تناسبی نیز وجود ندارد. در همه‌جا یک پاداش برای احزاب بزرگی که نسبت بیشتری از آراء را به خود اختصاص می‌دهند در نظر گرفته شده است؛ اگرچه این پاداش به سطح حوزه انتخابی کاهش می‌یابد و در سیستم‌های تناسبی ملی بسیار کوچک می‌شود.

از سوی دیگر انتخابات در ایران نیز تاریخچه‌ای نسبتاً طولانی دارد. ایران یکی از نخستین کشورهای غیرغربی بود که در سال ۱۲۸۵ در اثر انقلاب مشروطه صاحب پارلمان شد و از آن زمان تا کنون انتخابات با فراز و فرودهای فراوان در حال برگزاری است. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، انتخابات شکل جدی‌تری به خود گرفت و بسیاری از مناصب حکومتی از طریق رای مردم انتخاب می‌شوند. در جمهوری اسلامی ایران، نظام اکثریت دو مرحله‌ای در مجلس شورای اسلامی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در مرحله نخست انتخابات هر نامزدی ۲۰ درصد کل آراء ماخوذه را کسب کند، پیروز انتخابات

می‌شود؛ در غیر این صورت انتخابات به مرحله دوم کشیده شده و در این مرحله اکثریت نسبی ملاک پیروزی نامزدهاست.

سیستم انتخاباتی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری فرانسه دارای مشابهت‌های فراوانی بوده و در عین حال تفاوت‌هایی نیز با یکدیگر دارند. از این رو مورد مناسبی برای مقایسه تطبیقی به شمار می‌آیند؛ به همین دلیل پژوهش حاضر در صدد است تا به بررسی تطبیقی سیستم انتخاباتی مجالس قانونگذاری جمهوری اسلامی ایران و جمهوری فرانسه پرداخته و شباهت‌ها و تفاوت‌های این دو سیستم را مورد مذاقه و امعان نظر قرار دهد. این پژوهش با رویکردی حقوقی-سیاسی در صدد است از منظر حقوقی و سیاسی به مطالعه تطبیقی این دو سیستم انتخاباتی بپردازد. از منظر حقوقی این پژوهش به بررسی ساختارها و شیوه‌های قانونی مکتوب در قوانین انتخاباتی، شیوه‌های رای‌دهی و الگوهای مشارکت در انتخابات به لحاظ قانونی و همچنین شیوه‌های اجرای انتخابات در دو کشور می‌پردازد. از منظر سیاسی نیز پژوهش حاضر به بررسی نقش احزاب و گروه‌های مرجع سیاسی و شیوه اتحادها و ائتلاف‌های سیاسی در انتخابات دو کشور می‌پردازد.

#### ۱- مرور کلی سیستم انتخابات مجمع ملی فرانسه

مجلس ملی یکی از ارگان‌هایی است که همراه با سنا، پارلمان فرانسه را تشکیل می‌دهد. مجلس ملی شامل ۵۷۷ نماینده است که با رای مستقیم همگانی انتخاب می‌شوند. نمایندگان عموماً به احزاب و گروه‌های سیاسی تعلق دارند. ریاست مجلس شورای ملی بر عهده رئیسی است که توسط اعضای آن انتخاب می‌شود. رئیس مجلس شورای ملی توسط یک «کمیته راهبری» که به عنوان کنفرانس روسای جمهور شناخته می‌شود، یاری می‌شود. «کنفرانس رؤسای جمهور» متشکل از رهبران احزاب مختلف پارلمانی است و به طور رسمی، مسئول تخصیص کرسی‌های کمیته‌ها و اختصاص زمان برای بحث در مورد اکثر موارد قانونی است (LIU, 2000: 5).

از سال ۱۹۸۸، ۵۷۷ نماینده با رای مستقیم عمومی و با سیستم دو مرحله‌ای بر اساس حوزه انتخابیه، برای یک دوره پنج ساله انتخاب می‌شوند. حوزه‌های انتخابیه هر کدام حدود ۱۰۰۰۰۰ نفر سکنه دارند. قانون انتخابات ۱۹۸۶ مشخص می‌کند که اختلاف جمعیت آنها در یک بخش نباید از ۲۰ درصد تجاوز کند. برای انتخاب شدن در دور اول رای‌گیری، یک نامزد باید حداقل ۵۰ درصد آراء و حداقل ۲۵ درصد از رای‌دهندگان ثبت نام شده در فهرست‌های انتخاباتی را به دست آورد. به عنوان مثال، در حوزه‌ای که ۲۰۰۰ رای‌دهنده ثبت‌نام کرده‌اند، یک کاندیدا برای انتخاب شدن در مرحله اول رای‌گیری، در صورتی که ۸۰۰ رای به صندوق ریخته شود، حداقل به ۵۰۰ رای نیاز دارد. ولی اگر همین فرد به عنوان مثال ۴۹۹ رای کسب کند، گرچه اکثریت آراء ماخوذه را کسب کرده است

ولی پیروز انتخابات نمی‌شود چون علاوه بر اکثریت مطلق به حداقل ۲۵ درصد آراء ثبت‌نام شده یعنی حداقل ۵۰۰ رای نیاز دارد. اگر هیچ نامزدی این تعداد رای را به دست نیاورد، رای‌گیری دوم انجام می‌شود که در آن اکثریت نسبی کافی است؛ یعنی کاندیدایی که بیشترین تعداد آراء را به دست آورد، انتخاب می‌شود. کسانی که بیش از ۱۲/۵ درصد (یک هشتم) از آراء رای‌دهندگان ثبت‌نام شده را کسب کنند به دور دوم رای‌گیری راه پیدا می‌کنند. اگر سه نامزد یا بیشتر از این شرایط برخوردار نباشند، دو کاندیدایی که بالاترین رتبه را دارند به طور خودکار به دور دوم رای‌گیری راه می‌یابند که در آن، نامزدی که بیشترین آراء را کسب کند انتخاب می‌شود. هر کاندیدا همراه با یک جایگزین ثبت نام می‌شود، که در صورت عدم توانایی یا محرومیت در دوران تصدی، جای نامزد را می‌گیرد (Mc Cavana, 2013: 39).

حوزه‌های انتخابیه مناطق انتخاباتی هستند که بر اساس جمعیت تقسیم‌بندی می‌شوند. تقسیم‌بندی‌های مناطق انتخاباتی هر ۱۲ سال یکبار بررسی مجدد می‌شوند. نمایندگان مجلس شورای ملی بر اساس یک نظام انتخاباتی یک نفره و مستقیم انتخاب می‌شوند. قوانین انتخاباتی فرانسه نحوه برگزاری انتخابات نمایندگان را تعیین کرده است. همه شهروندان ۲۳ سال به بالا می‌توانند در انتخابات مجلس شورای ملی شرکت کنند و همه افراد ۱۸ سال به بالا می‌توانند رای دهند. نمایندگان برای پنج سال انتخاب می‌شوند و در صورت انحلال پارلمان توسط رئیس‌جمهور، دوره آنها کوتاه می‌شود (LIU, 2000: 5).

باید افزود که نظام انتخاباتی به چگونگی تبدیل رای به کرسی تعریف می‌شود. پس از آنکه آراء رای‌دهندگان به صندوق ریخته شد، آراء صحیح شمارش شده و به کرسی نمایندگی تبدیل می‌شود. شیوه این تبدیل در واقع همان نظام انتخاباتی آن کشور است. نظام انتخاباتی فرانسه، نظام اکثریت مطلق است. بدین ترتیب برای به دست آوردن کرسی نمایندگی پارلمان در فرانسه، به دست آوردن حداقل نصف بعلاوه یک آراء لازم است. از آنجا که کسب چنین آرای می‌مکن نیست، انتخابات در بیشتر حوزه‌های انتخابیه به دور دوم کشیده می‌شود. این نظام انتخاباتی را اکثریتی دومرحله‌ای نیز می‌نامند. در انتخابات پارلمان فرانسه، کشور بر اساس تعداد کرسی‌ها، به حوزه انتخابی تقسیم می‌شود. این نوع حوزه‌بندی را «تک‌منصبی» هم می‌نامند. در نتیجه این نظام انتخاباتی، مشکلات نظام اکثریتی نسبی به خوبی مرتفع می‌شود؛ زیرا نماینده انتخابی به دلیل برخورداری از آراء کافی در حوزه انتخابی خود، از پایگاه مردمی قابل قبولی برخوردار است. در این نوع نظام انتخاباتی، احزاب با تمام قوا در مرحله نخست انتخابات وارد این کارزار سیاسی می‌شوند. اما در مرحله دوم چاره‌ای جز ائتلاف وجود ندارد. در نتیجه گروه‌های همسو با هم هم‌پیمان شده و دو قطب چپ و راست شکل می‌گیرد (ایوبی و رسولی، ۱۳۹۱: ۲۰۹-۲۱۰).

در واقع فرانسه تنها دموکراسی مستقر است که دارای انتخابات دو مرحله‌ای برای انتخابات مجلس عوام است. در این سیستم، آراء با فرمول خاصی تبدیل به کرسی می‌شوند. در حالت عادی، یک حزب باید انتظار داشته باشد که با یک سهم آراء مشخص، کرسی‌هایی را بدست آورد؛ در یک سیستم کاملاً متناسب، سهم کرسی باید برابر سهم آراء باشد. حزبی که ۱۰ درصد آراء را کسب کند، ۱۰ درصد کرسی‌ها را به دست می‌آورد. اما تقریباً در هیچ جا تناسب کاملی بین سهم کرسی و سهم آراء حتی در سیستم‌های تناسبی نیز وجود ندارد.

در همه جا یک پاداش برای احزاب بزرگی که نسبت بیشتری از آراء را به خود اختصاص می‌دهند در نظر گرفته شده است؛ اگرچه این پاداش به سطح حوزه انتخابی کاهش می‌یابد و در سیستم‌های تناسبی ملی بسیار کوچک می‌شود (Rae, 1971: 41). در سیستم انتخابات دو مرحله‌ای مجلس فرانسه، رابطه بین کرسی‌ها و رای‌ها، به نسبت (لگاریتم) تعداد کل آراء و کرسی‌ها، به علاوه اندازه منطقه و تعداد احزاب موثر بستگی دارد (Taagepera, 1986: 80). جالب اینجاست که معمولاً هیچ اشاره‌ای به فرمول انتخاباتی نمی‌شود. مفهوم این امر این است که سیستم‌های دو مرحله‌ای باید همانند سیستم‌های اکثریت نسبی کار کنند، به شرطی که هر دو دارای مناطق تک عضو باشند. در سیستم‌های اکثریت نسبی احزاب ضعیف به شدت آسیب می‌بینند. سوال این است که آیا سیستم دو مرحله‌ای فرانسه تبعیض‌های مشابه، قوی‌تر یا ضعیف‌تری ایجاد می‌کند؟ تحلیل رابطه کرسی-رای در فرانسه گرایش شدیدی به این تبعیضات را نشان می‌دهد اما در نهایت رابطه کرسی- رای ضریب تعیین کمتری دارد، که این امر نشان می‌دهد سایر عوامل محاسبه نشده نیز نقش مهمی در این تبعیضات دارند (Blais and Indridason, 2007: 69).

به عنوان مثال حزب میانه (نه بزرگ و نه کوچک) در نمونه ما اگر ۱۰ درصد آراء را کسب کند، فقط ۵ درصد کرسی‌ها را به دست می‌آورد. در صورتی این حزب اگر ۲۰ درصد آراء را کسب کند، تقریباً به همان نسبت یعنی ۱۸ درصد کرسی‌ها را به دست می‌آورد؛ اما در صورت کسب ۵ درصد از آراء، فقط ۰/۵ درصد از کرسی‌ها (حدود چند کرسی) را تصاحب می‌کند. از طرف دیگر، حزبی که موفق به کسب ۴۰ درصد آراء شود باید انتظار داشته باشد که حدود ۶۲ درصد کرسی‌ها را بدست آورد. بنابراین همانطور که مشاهده شود، در سیستم انتخاباتی دو مرحله‌ای فرانسه، هر چه درصد آراء یک حزب بیشتر باشد، تعداد کرسی‌های آن حزب در مجلس به صورت تصاعدی بیشتر می‌شود و هر چه تعداد آراء کمتر باشد، تعداد کرسی‌های آن حزب نیز کاهش می‌یابد (Blais and Loewen, 2009: 348).

جدول شماره ۱: نسبت بین درصد آراء مشارکت‌کنندگان با صندلی‌های پیش‌بینی

شده در فرانسه

درصد آراء	درصد کرسی‌های پیش‌بینی شده
۵	۰/۵
۱۰	۵
۱۵	۱۱
۲۰	۱۸/۴
۲۵	۲۷/۲
۳۰	۳۷/۴
۳۵	۴۹
۴۰	۶۲
۴۵	۷۶/۵
۵۰	۹۲/۴

از این رو احزاب برای به حداکثر رساندن تعداد کرسی‌های خود وارد ائتلاف می‌شوند؛ بنابراین باید انتظار داشته باشیم که احزابی که موفق به معامله با دیگران می‌شوند عملکرد بهتری داشته باشند. نکته جالب توجه این است که همبستگی بین آراء و کرسی‌ها در آن دسته از احزاب که به یک ائتلاف تعلق دارند، بسیار بیشتر است؛ در آراء کمتر از ۱۰ درصد، احزاب کرسی‌های کمتری به دست می‌آورند، در حالی که وقتی بیش از ۲۰ درصد آراء را کسب می‌کنند، پاداش می‌گیرند و تعداد کرسی‌ها بیشتر می‌شود. برای احزابی که در ائتلاف نیستند، پیش‌بینی‌ها خیلی کمتر روشن است. بهترین مدل نشان‌دهنده یک اثر خطی است که در آن سهم کرسی‌ها تقریباً سه چهارم سهم آراء است. این امر ممکن است متناقض به نظر برسد زیرا انتظار داریم احزاب بزرگ عملکرد بهتری داشته باشند. مسئله این است که این نمونه شامل تعداد بسیار کمی از احزاب بزرگ می‌شود؛ زیرا احزاب بزرگ تقریباً همیشه عضو یک ائتلاف هستند. بنابراین یک سوگیری انتخاب وجود دارد که باید در نظر گرفته شود (Blais and Loewen, 2009: 349).

اما نتایج گذشته حاکی از آن است که در میان احزاب کوچک، آنهایی که عضو یک ائتلاف هستند از نظر کرسی‌ها عملکرد بهتری نسبت به احزابی که هیچ معامله‌ای انجام نمی‌دهند، ندارند. از این رو به نظر می‌رسد که عضویت در یک ائتلاف حداقل در میان احزاب کوچک به کرسی‌های بیشتر کمک نمی‌کند. به طور خلاصه، احزاب کوچک به طور سیستماتیک نمایندگان کمتر و احزاب بزرگ به طور سیستماتیک نمایندگان بیشتری در سیستم انتخاباتی دو مرحله‌ای فرانسه دارند. بنابراین و بنا بر دلایل ذکر شده، اتحادها و ائتلاف‌های انتخاباتی در سیستم‌های انتخاباتی دو مرحله‌ای بسیار بیشتر از سیستم یک

مرحله‌ای است و رابطه رای-کرسی برای احزابی که به یک اتحاد تعلق دارند بسیار قابل پیش‌بینی‌تر است. برای احزابی که بخشی از ائتلاف نیستند، ارتباط بین سهم-کرسی و سهم-آراء تا حدی تصادفی به نظر می‌رسد (Blais and Massicotte, 1997: 32). احزاب در انتخابات مجلس قانونگذاری در هر منطقه سه گزینه دارند: ارائه کاندیدا به تنهایی، معرفی نامزد در اتحاد با احزاب دیگر یا عدم معرفی کاندیدا. وقتی اتحاد وجود دارد، اتحاد ممکن است قبل یا بعد از اولین مرحله انتخابات باشد. از این منظر، طرفین با سه تصمیم در یک سیستم دو مرحله‌ای روبرو می‌شوند: ورود یا خروج، (در صورت ورود) به تنهایی یا در اتحاد؛ و در مورد اتحادها، معامله را زود انجام دهند یا دیر، قبل یا بعد از اولین مرحله. این تصمیمات می‌توانند توسط احزاب محلی گرفته شوند یا توسط احزاب ملی هدایت شوند. این ائتلاف‌ها همچنین می‌توانند شرایطی را برای چگونگی حمایت احزاب از یکدیگر پس از انتخابات، نحوه توزیع مناصب کابینه و غیره شامل شوند (یا نشوند) (Blais and Loewen, 2009: 354).

گلدر در پژوهشی در مورد ائتلاف‌های پیش از انتخابات دریافت که از سال ۱۹۴۶ تا کنون برای هر دو حزب احتمالی در ۲۲ کشور، اتحادها در ۵/۳ درصد اتفاق افتاده است؛ که این میزان در جمهوری پنجم فرانسه ۲۲/۵ درصد است. اگر دفعات انتخابات را با ائتلاف قبل از انتخابات در نظر بگیریم، اختلاف به همان اندازه قابل توجه است. گلدر متوجه شد که درصد انتخابات با ائتلاف پیش از انتخابات در سیستم‌های اکثریت ۲۷ درصد و در سیستم‌های تناسبی ۴۶ درصد است. در جمهوری پنجم فرانسه تنها اولین انتخابات بدون اتحاد بود. با این حال، با افزایش اندازه ائتلاف فراتر از یک آستانه خاص، این احتمال شروع به افزایش می‌کند. این احتمالاً بیشتر احتمال اتحاد بین احزاب بزرگ و کوچک را نشان می‌دهد تا ائتلاف‌های بین احزاب کوچک. روی هم رفته، این نتایج حاکی از آن است که تشکیل اتحاد در فرانسه کاملاً متفاوت از سایر سیستم‌های انتخاباتی است. بر این اساس، این معما از ماهیت و میزان تأثیر روانشناختی سیستم دو مرحله‌ای انتخابات در احزاب ریشه دارد (Golder, 2006: 42).

## ۲- مرور کلی سیستم انتخابات مجلس شورای اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی ایران متشکل از ۲۹۰ نماینده است که از ۲۰۸ حوزه انتخاباتی برای مدت چهار سال با رای مستقیم مردم انتخاب می‌شوند. دو نهاد، مسئول مدیریت فعالیت‌های مرتبط با انتخابات مجلس شورای اسلامی در ایران هستند: شورای نگهبان و وزارت کشور. شورای نگهبان برای کنترل، نظارت و تعیین خط‌مشی برای برگزاری انتخابات مختار است و وزارت کشور عملیات انتخاباتی را زیر نظر شورا اجرا می‌کند.

ایده تاسیس شورای نگهبان برگرفته از قانون اساسی ۱۹۰۶ ایران بود که در آن هیئتی متشکل از روحانیون ارشد ناظر بر قوانین مصوب مجلس با هدف جلوگیری از تبدیل شدن قوانین مغایر با قوانین اسلامی به قانون، پیش بینی شده بود. شورای نگهبان یک نهاد دوازده نفره است که به منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با آنها تشکیل شده و متشکل از (۱) شش نفر فقیه واجد شرایط و متبحر در فقه اسلامی و (۲) شش نفر حقوقدان مسلمان که در زمینه‌های مختلف حقوق تخصص دارند. رهبر ایران به طور مستقیم شش فقیه را منصوب می‌کند، در حالی که شش حقوقدان توسط رئیس قوه قضائیه معرفی و با اکثریت آرا در مجلس انتخاب می‌شوند (برگرفته از اصل ۹۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران).

طبق اصل ۹۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و همه‌پرسی بر عهده شورای نگهبان است. شورا در سال ۱۳۷۰ این ماده را چنین تفسیر کرد که «نظارت آن بر انتخابات استصوابی است و در تمام مراحل فرآیند انتخابات از جمله تأیید و رد صلاحیت نامزدها اعمال می‌شود» (قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات ریاست جمهوری، ماده ۲). شورای نگهبان علاوه بر تأیید صلاحیت نامزدها، دارای اختیارات نظارتی قابل توجهی است از جمله:

- تصویب تاریخ انتخابات؛
- دریافت شکایات و رسیدگی به اختلافات انتخاباتی؛
- نظارت بر کار کمیسیون نظارت بر مبارزات انتخاباتی، که رفتار نامزدهای ریاست جمهوری و فعالیت‌های مربوط به مبارزات انتخاباتی آنها را تنظیم می‌کند؛
- ابطال انتخابات در یک حوزه انتخاباتی یا توقف روند انتخابات؛
- تصویب اصلاحات و بازنگری در کلیه قوانین انتخاباتی؛ و
- تأیید نتایج انتخابات. (قهرودی، ۱۳۹۸، ۸۹)

شورای نگهبان با تشکیل کمیته‌های نظارتی در انتخابات ریاست جمهوری و مجلس، فعالیت‌های نظارتی خود را انجام می‌دهد. این کمیته‌ها از اعضای موقت تشکیل شده و در آغاز تبلیغات انتخاباتی تشکیل شده‌اند. شورای نگهبان نیز مانند انتخابات ریاست جمهوری، هیئت مرکزی نظارت را برای انتخابات مجلس تشکیل می‌دهد. بر اساس ماده ۱ قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات مجلس شورای اسلامی: «پیش از شروع انتخابات، از سوی شورای نگهبان پنج نفر از افراد مسلمان و مطلع و مورد اعتماد (به عنوان هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات) با اکثریت آراء انتخاب و به وزارت کشور معرفی می‌شوند». با اساس تبصره همین ماده: «از پنج نفر عضو هیئت مرکزی نظارت

حداقل یک نفر باید عضو شورای نگهبان باشد». هیئت مرکزی نظارت بر اساس ماده ۳ قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات مجلس، دو وظیفه اصلی دارد:

- تایید صلاحیت نامزدهای ثبت نام شده برای انتخابات پارلمانی؛ و
- نظارت بر تمامی مراحل پروسه انتخابات به شمول عملکرد وزارت

کشور. (کاشفی زاده، ۱۳۹۷، ۱۱۲)

هیئت‌های نظارتی در سطح استانی و حوزه‌های انتخاباتی به هیئت مرکزی نظارت کمک می‌کنند. بر اساس ماده ۷ قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات مجلس، هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات باید در هر استان هیئتی مرکب از پنج نفر با شرایط مذکور در ماده ۱ جهت نظارت بر انتخابات منطقه تعیین کند. هیئت‌های اجرایی و ستاد انتخابات استان موظف هستند هیئت مذکور را در جریان کلیه امور انتخابات استان بگذارند و نظرات این هیئت در همه موارد مربوط به انتخابات قطعیت دارد، بجز موارد زیر:

- ۱- ابطال کل انتخابات یک حوزه انتخابیه؛
- ۲- توقف انتخابات؛ و
- ۳- ابطال انتخابات شعبی که در سرنوشت انتخابات تاثیر تعیین‌کننده

دارد».

علاوه بر هیئت‌های نظارت استانی، شورای نگهبان در سطح حوزه‌های انتخابی نیز هیئت‌های نظارت خود را جهت نظارت بر انتخابات مجلس تشکیل می‌دهد. ماده ۸ قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات مجلس مقرر می‌دارد که: «هیئت نظارت استان باید برای هر حوزه انتخابیه هیئتی مرکب از سه نفر با شرایط مذکور در ماده ۱ جهت نظارت بر انتخابات حوزه مربوطه تعیین کند» و ماده ۹ مقرر می‌دارد: «هیئت‌های نظارت سه نفری موظفند افرادی را که واجد شرایط مذکور در ماده ۱ می‌باشند جهت نظارت بر حوزه‌های فرعی انتخاب کنند». مانند هیئت مرکزی نظارت، این نهادها هیئت‌های موقتی هستند که برای مدت زمان هر فرآیند انتخاباتی تشکیل می‌شوند. با این حال، در یک دهه گذشته، کمیته‌های نظارت دفاتر دائمی خود را در شهرستان‌ها و استان‌های ایران ایجاد کرده‌اند که در تمام سال فعالیت می‌کنند.

تصویر شماره ۱: روند نظارت بر انتخابات مجلس توسط شورای نگهبان



بر اساس ماده ۵ قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات مجلس شورای اسلامی: «هیئت‌های نظارت استانی از نظر تعداد و نحوه انتصاب مشابه هیئت مرکزی نظارت بر

انتخابات مجلس شورای اسلامی است. هیئت‌های نظارت استانی بر عملکرد هیئت‌های اجرایی انتخابات که توسط وزارت کشور برای اداره انتخابات ایجاد می‌شوند، نظارت می‌کنند. هیئت‌های اجرایی انتخابات موظفند در مورد تمام مسائل مربوط به انتخابات با هیئت‌های نظارت استانی مشورت کرده و از آنها مشاوره بگیرند. همچنین، هیئت‌های نظارت استانی اعتبار افراد معرفی‌شده برای عضویت در هیئت‌های اجرایی انتخابات را تأیید می‌کنند و فهرست نامزدهای تأیید شده برای انتخابات مجلس توسط هیئت‌های اجرایی را بررسی می‌کنند». بر اساس ماده ۹ همین قانون هیئت‌های نظارت استانی با تأیید هیئت مرکزی نظارت، هیئت‌های سه نفره نظارت حوزه انتخابیه را در استان خود تعیین می‌کنند. ۲۰۸ حوزه انتخاباتی برای انتخابات مجلس وجود دارد که هر یک توسط یک هیئت نظارت حوزه با روند انتصاب و ترکیب یکسان با هیئت‌های نظارت استانی اداره می‌شود.

اختیارات شورای نگهبان در روند نظارت بر انتخابات مجلس بسیار گسترده است و تنها مرجعی است که حق ابطال انتخابات را دارد. اما امکان اما در اختیار هیئت نظارت مرکزی نیست؛ وفق ماده ۱۱ قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات مجلس: «هیئت مرکزی نظارت حق ابطال انتخابات یا متوقف ساختن آن را ندارد، فقط باید مدارک حاکی از عدم صحت یا لزوم متوقف ساختن آن را برای شورای نگهبان بفرستد تا شورا در مورد ابطال یا متوقف کردن آن نظر بدهد». در ادامه ماده ۱۴ همین قانون مقرر می‌دارد: «نظر شورای نگهبان در مورد ابطال یا توقف انتخابات قطعی و لازم‌الاجرا است و ادامه انتخابات در حوزه‌هایی که از طرف شورای نگهبان متوقف گردیده بدون اعلام نظر ثانوی شورای نگهبان وجه قانونی ندارد و جز شورای نگهبان هیچ مقام و مرجع دیگری حق ابطال یا متوقف کردن انتخابات را ندارد». بنابراین همانطور که ملاحظه می‌شود، اختیارات شورای نگهبان در نظارت بر انتخابات مجلس بسیار گسترده است و از تأیید صلاحیت نامزدها تا توقف و ابطال انتخابات را در بر می‌گیرد. (مشهودی، ۱۳۹۷، ۱۱۳)

## ۲-۲. وزارت کشور

وزارت کشور وظیفه برگزاری انتخابات را زیر نظر شورای نگهبان بر عهده دارد. قبل از هر انتخاباتی، وزارتخانه یک مرکز انتخابات در دفتر دائمی انتخابات وزارت تشکیل می‌دهد که در دفتر امور سیاسی مستقر است. مرکز انتخابات مسئول ایجاد کمیته‌های اجرایی در سطح شهرستان است که تعداد و مکان شعب رای‌گیری را انتخاب می‌کنند، مجریان رای‌گیری را تعیین و بر شکایات و تخلفات در صورت وقوع نظارت می‌کنند (Tavana, 2013:8) (حیدری زاده، ۱۳۹۷، ۴۸) وزارت کشور کلیه فعالیت‌های مربوط به انتخابات را زیر نظر شورای نگهبان انجام می‌دهد. در اصل، وزارت کشور به عنوان بازوی اجرایی زیرمجموعه شورای نگهبان عمل می‌کند. در آغاز چرخه انتخابات، وزیر کشور ستاد انتخابات کشور را در دفتر امور سیاسی تأسیس می‌کند. ستاد انتخابات

کشور معمولاً دو ماه قبل از روز انتخابات فعال است و به طور مستقیم به وزیر کشور پاسخ می‌دهد. ستاد انتخابات کشور متشکل از ۴۵ عضو است. ۲۰ عضو از ادارات مختلف وزارت کشور منصوب می‌شوند و ۲۵ عضو باقی‌مانده از کارکنان دفتر انتخابات تشکیل می‌شوند. ستاد انتخابات کشور یک رئیس دارد که توسط وزیر کشور منصوب می‌شود و معمولاً معاون دفتر امور سیاسی است (Mirdamadi, 22 July 2009). (جولایی، ۱۳۹۸، ۱۱۴)

به موازات آن، ستادهای انتخابات استانی در دفتر ۳۱ استان ایجاد می‌شوند تا به هماهنگی فعالیت‌ها بین هیئت‌های اجرایی و ستاد انتخابات کشور کمک کنند. بسته به انتخابات (ریاست جمهوری یا پارلمانی)، چندین سطح از هیئت‌های اجرایی محلی برای کمک به اجرای رویه‌های انتخاباتی ایجاد می‌شود. وظایف و مسئولیت‌های هیئت‌های اجرایی عبارتند از:

- ۱- تعیین تعداد و مکان شعب اخذ رای؛
  - ۲- ارائه اطلاعات به رای‌دهندگان، از جمله اطلاع‌رسانی به مردم در مورد تاریخ انتخابات، ساعات رای‌گیری، مکان شعب اخذ رای و صلاحیت رای‌دهندگان؛
  - ۳- حصول اطمینان از تطبیق قوانین و مقررات انتخاباتی مندرج در قانون. و
  - ۴- تعیین اعضای شعب اخذ رای (قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران، ماده ۴۵).
- این هیئت‌های اجرایی انتخابات از نظر ساختار برای انتخابات ریاست جمهوری و مجلس کمی متفاوت هستند. با این حال، فرمول ترکیب هیئت‌های اجرایی برای هر دو انتخابات به گونه‌ای است که به حزب حاکم در همه هیئت‌ها، از جمله پست‌های ریاست، عملاً اکثریت را می‌دهد. برای انتخابات مجلس شورای اسلامی در ۲۰۸ حوزه انتخاباتی ایران هیئت‌های اجرایی تشکیل می‌شود. هر حوزه انتخاباتی از ترکیبی از شهرستان‌ها، شهرها و بخش‌های روستایی تشکیل شده است و تعداد هیئت‌های اجرایی در هر کدام متفاوت است. در هر حوزه انتخاباتی یک هیئت اجرایی مرکزی ایجاد می‌شود که بر فعالیت‌های هیئت‌های اجرایی زیر نظر آن نظارت می‌کند.
- اعضای کلیه هیئت‌های اجرایی متشکل از فرماندار / بخشدار (که ریاست کمیته را بر عهده دارد و منصوب وزیر کشور است)، دادستان شهرستان / حوزه انتخابی، رئیس اداره ثبت احوال، یکی از اعضای شورای محلی و هشت نفر از افراد معتمد تشکیل می‌شود. طبق ماده ۳۱ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی - (اصلاحی ۳/۳/۱۳۹۵) - «بلافاصله پس از صدور دستور شروع انتخابات از طرف وزارت کشور، فرماندار یا بخشدار مرکز حوزه انتخابیه دستور تشکیل هیئت‌های اجرایی حوزه‌های فرعی را به

فرماندار یا بخشدار حوزه‌های فرعی صادر نموده و خود موظف است ظرف شش روز در مرکز حوزه انتخابیه، هیئت اجرایی انتخابات را با حضور هیئت نظارت شورای نگهبان به ریاست خود و عضویت دادستان و رئیس ثبت احوال مرکز حوزه انتخابیه و هشت نفر معتمدین موضوع ماده (۳۲) تشکیل دهد».

ماده ۳۲ همین قانون (اصلاحی ۳/۳/۱۳۹۵) مقرر می‌دارد: «فرماندار یا بخشدار مرکز هر حوزه انتخابیه، جهت انتخاب معتمدین اصلی و علی‌البدل هیئت اجرایی موضوع ماده (۳۱)، تشکیل جلسه داده و سی نفر از روحانیون و معتمدان اقشار مختلف مردم حوزه انتخابیه را که بومی بوده و یا حداقل دارای سه سال سابقه سکونت در حوزه انتخابیه باشند را از بین کلیه اقشار واجد شرایط در این قانون انتخاب و به منظور تأیید صلاحیت به هیئت نظارت مربوط معرفی می‌نماید. هیئت نظارت مزبور حداکثر ظرف مدت دو روز اظهار نظر کتبی خود نسبت به تأیید صلاحیت آنان را به فرماندار یا بخشدار ارسال می‌دارد. فرماندار یا بخشدار مرکز حوزه انتخابیه بلافاصله از سی نفر معتمدین محلی تأیید شده از سوی هیئت نظارت به صورت کتبی دعوت به عمل آورده و مدعوین حداکثر ظرف دو روز از تاریخ دعوت تشکیل جلسه می‌دهند و پس از حضور حداقل دو سوم مدعوین (بیست نفر) در حضور هیئت نظارت، از بین خود، هشت نفر را به عنوان معتمدین اصلی و پنج نفر را به عنوان معتمدین علی‌البدل هیئت اجرایی با رای مخفی و اکثریت نسبی آراء انتخاب می‌نمایند».

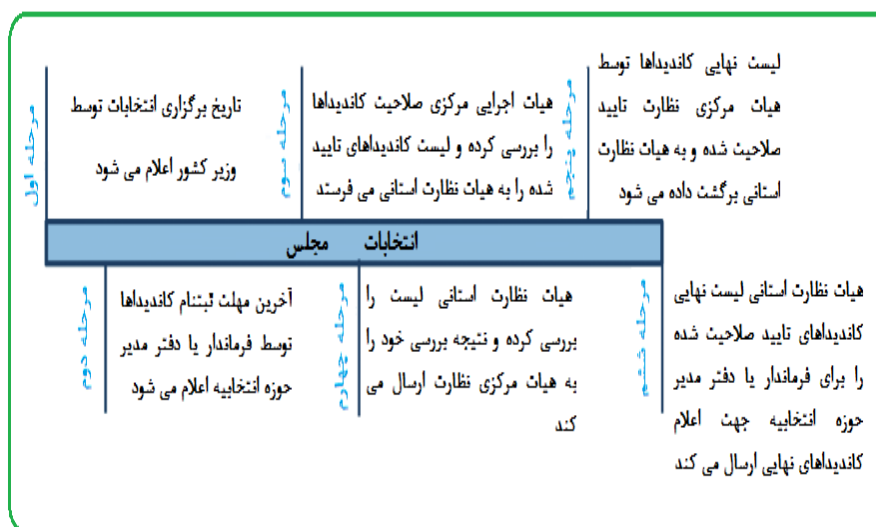
تبصره ۱- چنانچه هیئت نظارت، معتمدین پیشنهادی فرماندار یا بخشدار مرکز حوزه انتخابیه را تأیید ننمود، فرماندار یا بخشدار مربوطه موظف است به تعداد دو برابر، افراد واجد شرایط دیگری را به هیئت نظارت پیشنهاد نماید. هیئت نظارت موظف است حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت نظر خود را به صورت کتبی اعلام نماید. اگر برای بار دوم، معتمدین پیشنهادی، مورد تأیید هیئت نظارت مربوطه قرار نگیرند، در صورتی که حداقل بیست نفر مورد تأیید باشند، اعضای اصلی و علی‌البدل را از میان خود انتخاب خواهند کرد و در صورت عدم توافق فرماندار، بخشدار و هیئت نظارت شهرستان، هیئت نظارت استان با هماهنگی استاندار ظرف بیست و چهار ساعت، باقی مانده از سی نفر معتمد را انتخاب خواهند کرد.

اعضای عمومی، هشت نفر از مردم دعوت شده از طرف فرماندار / بخشدار هستند و طبق تبصره ۲ ماده ۳۲ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی باید دارای شرایط زیر باشند: «معتمدین این ماده باید دارای ایمان و التزام عملی به اسلام (به جز حوزه‌های اقلیت دینی) و قانون اساسی و حسن شهرت و سواد خواندن و نوشتن بوده و از عوامل مؤثر در تحکیم رژیم سابق و وابسته به گروه‌های غیرقانونی نباشند».

۲-۳. روند تأیید صلاحیت نامزدهای انتخابات مجلس شورای اسلامی در ایران

ماده ۴۸ قانون انتخابات مجلس در این خصوص مقرر کرده است که: «وزارت کشور و شورای نگهبان پس از وصول مشخصات داوطلبان، روزانه لیست کامل آنان را تهیه و به منظور بررسی سوابق آنان در رابطه با صلاحیت‌های مذکور در این قانون، به وزارت اطلاعات، دادستانی کل، سازمان ثبت‌احوال کشور و اداره تشخیص هویت و پلیس بین‌الملل در مرکز ارسال می‌دارد. مراکز مزبور موظف‌اند ظرف پنج روز نتیجه بررسی را با دلیل و سند به وزارت کشور و شورای نگهبان اعلام نمایند». در سطح محلی، هیئت‌های اجرایی مرکزی و هیئت‌های نظارت استانی، سوابق همه نامزدهای ثبت‌نام شده در حوزه انتخاباتی خود را بر اساس معیارهای مقرر در قانون بررسی می‌کنند. آنها موظفند نتایج بررسی‌های خود را با تایید یا رد یک نامزد در مدت ده روز با هیئت نظارت مرکزی به اشتراک بگذارند. بر اساس ماده ۵۰ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی: «تصمیم آنان باید مستند به قانون و همراه با ادله و مستندات قانونی باشد». اما در سال‌های اخیر، هیئت‌های نظارتی تیم‌های تحقیقی را به محله‌های نامزدهای ثبت‌نام شده اعزام می‌کنند تا با ساکنان محلی مصاحبه کنند و از وفاداری یک نامزد به موازین اسلامی و پایبندی وی به ولایت مطلقه فقیه یا به عبارت دیگر رهبری ایران - به عنوان بخشی از فرآیند بررسی صلاحیت جويا شوند.

تصویر شماره ۲: بررسی روند انتخابات مجلس شورای اسلامی



همانطور که نمودار بالا نشان می‌دهد، در فرآیند برگزاری انتخابات مجلس ابتدا تاریخ برگزاری انتخابات توسط وزیر کشور اعلام می‌شود. سپس آخرین مهلت ثبت‌نام کاندیداها توسط فرماندار یا دفتر مدیر حوزه انتخابیه اعلام می‌شود. بعد از آن هیئت اجرایی مرکزی، صلاحیت کاندیداها را بررسی کرده و لیست کاندیداها را تایید شده را به هیئت نظارت استانی می‌فرستد. سپس هیئت نظارت استانی لیست را بررسی و نتیجه بررسی خود را به هیئت مرکزی نظارت ارسال می‌کند. لیست نهایی کاندیداها توسط

هیئت مرکزی نظارت تایید صلاحیت شده و به هیئت نظارت استانی برگشت داده می‌شود. در نهایت هیئت نظارت استانی لیست نهایی کاندیداهای تایید صلاحیت شده را برای فرماندار یا دفتر مدیرحوزه انتخابیه جهت اعلام کاندیداهای نهایی ارسال می‌کند. نامزدهایی که صلاحیت آنها توسط هیئت‌های اجرایی مرکزی رد شده است، چهار روز فرصت دارند تا به کمیته نظارت استانی خود اعتراض کنند. کمیته نظارت استانی باید شکایات را ظرف مدت هفت روز بررسی کند و قبل از رد صلاحیت یک نامزد برای شرکت در انتخابات، با هیئت مرکزی نظارت مشورت کند. در شرایطی که هیئت‌های اجرایی صلاحیت یک نامزد را تایید کنند، اما هیئت نظارت مرکزی آن را رد کند، داوطلب می‌تواند به شورای نگهبان اعتراض کند. شورای نگهبان تمام درخواست‌های تجدیدنظر را وصول و ظرف بیست روز درباره اعتبار نامزد رای قطعی می‌دهد (مواد ۵۱ و ۵۲ قانون انتخابات مجلس). تبلیغات انتخاباتی مجلس شورای اسلامی به طور رسمی هشت روز قبل از انتخابات آغاز می‌شود و ۲۴ ساعت قبل از روز انتخابات به پایان می‌رسد (ماده ۵۶ قانون انتخابات مجلس). فعالیت‌های انتخاباتی در انتخابات مجلس ایران نسبتاً کوتاه است زیرا دوره‌های رسمی مبارزات انتخاباتی در کشورهای دیگر اغلب بین دو تا چهار هفته است. کوتاه بودن دوره‌ای که در آن نامزدها می‌توانند سیاست‌ها، برنامه‌های انتخاباتی و طرح‌های خود را به رای‌دهندگان مربوطه ارائه دهند، جمع‌آوری و هضم اطلاعاتی را که به طور ایده‌آل باید برای تصمیم‌گیری انتخاباتی آگاهانه داشته باشند، برای رای‌دهندگان دشوار می‌کند. (وروایی، ۱۳۹۷، ۱۴۴)

### ۳- مقایسه نظام انتخاباتی در مجالس شورای اسلامی جمهوری اسلامی ایران و مجلس ملی جمهوری فرانسه

در این بخش به مقایسه سیستم انتخابات مجلس شورای اسلامی جمهوری اسلامی ایران و مجلس ملی جمهوری فرانسه پرداخته خواهد شد. این مقایسه در چند حوزه: مجریان انتخاباتی، نظارت بر انتخابات، شرایط نامزدی در انتخابات، شرایط رای‌دهی، برگزاری انتخابات، و تبلیغات نامزدها انجام خواهد گرفت.

#### ۳-۱. از حیث مجریان انتخاباتی

مهمترین وجه تمایز بین دو نظام انتخاباتی مجمع ملی فرانسه و مجلس شورای اسلامی در جمهوری اسلامی ایران در زمینه مجریان انتخاباتی، شیوه انتخاب مسئولین شعب اخذ رای است. در سیستم انتخاباتی جمهوری اسلامی ایران فرمانداران و بخشداران به عنوان مقام دولتی اقدام به انتخاب معتمدین محلی می‌کنند. این معتمدین از میان خود؛ معتمدین اصلی و اعضای علی‌البدل را انتخاب می‌کنند. این تعداد از معتمدین، هیئت

اجرائی انتخابات حوزه انتخابیه را تشکیل می‌دهند و آنها از میان معتمدین محلی هر منطقه، پنج نفر را به عنوان هیئت اجرایی شعبه و صندوق معرفی می‌کنند. ریاست شعبه از میان همین معتمدین انتخاب می‌شود. اما در فرانسه فرماندران رأساً در انتخاب اعضای هیات‌های اجرایی حوزه انتخابیه دخالتی ندارند و این خود نامزدها هستند که افرادی را برای هیئت اجرایی حوزه انتخابیه و حتی برای شعب اخذ رای معرفی می‌کنند. ریاست هیئت اجرایی یک شعبه توسط شهردار (مقام منصوب از طرف مردم) انتخاب می‌شود (بزرگمهری، ۱۳۸۵: ۸۲-۸۳).

از دیگر تمایزات هیئت‌های اجرایی در انتخابات ایران و فرانسه می‌توان به صلاحیت‌های لازم برای عضویت در هیئت‌های اجرایی و شعب اخذ رای اشاره کرد. همانطور که ذکر شد، بر اساس قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، مجریان انتخابات باید دارای شرایط ایمان و التزام به اسلام و قانون اساسی داشته، دارای حسن شهرت بوده و وابسته به گروه‌های غیر قانونی و از عوامل تحکیم رژیم پیشین نبوده باشند. علاوه بر این، اعضای هیئت‌های اجرایی نباید دارای وابستگی‌های نسبی (پدر، مادر، فرزند، برادر و خواهر) و سببی (همسر، پدر، مادر، برادر و خواهر همسر) نزدیک با نامزدها باشند و در دوره‌های انتخاباتی پیشین نیز مرتکب تخلفات انتخاباتی نشده باشند. و از همه مهمتر اینکه صلاحیت اعضای هیئت‌های اجرایی در هر حوزه انتخاباتی باید به تایید اعضای هیئت نظارت آن حوزه انتخابیه برسد؛ امری که در واقع تسلط شورای نگهبان و هیئت‌های نظارت بر انتخابات را تضمین می‌کند.

این شرایط اما در انتخابات فرانسه وجود ندارد و نیازی به تایید اعضای هیئت-اجرائی حوزه انتخابیه از سوی نهادهای نظارت بر انتخابات نیست. همچنین منعی برای حضور وابستگان نسبی و سببی نزدیک نامزدها در هیئت‌های اجرایی و مجریان شعب اخذ رای وجود ندارد. در سیستم انتخاباتی فرانسه تنها شرط مهم، وضعیت حقوقی فرد معرفی شده از سوی نامزدهاست که به عنوان دادیار تلقی می‌شود. بر اساس این شرط، اعضای هیئت‌های اجرایی دارای رتبه دادیاری هستند و از اطلاعات حقوقی کافی برای انجام این وظیفه برخوردار هستند (بزرگمهری، ۱۳۸۵: ۸۳).

### ۳-۲ از حیث نظارت بر انتخابات

بر اساس اصل ۹۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، شورای نگهبان وظیفه نظارت بر تمام انتخابات‌ها و همچنین برگزاری رفراندوم در کشور را بر عهده دارد. گرچه چارچوب قانونی بنیادین برای انتخابات ریاست جمهوری و همچنین انتخابات شوراهای محلی را مشخص شده است، اما چارچوب قانونی برای اداره مستقل انتخابات پیش‌بینی نشده است. شورای نگهبان وظیفه نظارت کلی بر انتخابات را بر عهده دارد و مدیریت لجستیکی این روند بر عهده وزارت کشور است. شورای نگهبان برای حمایت از قانون اساسی و قوانین اسلام (شریعت) در روند سیاسی ایران تاسیس شد. در حالی که وزارت

کشور وظیفه اجرا و مدیریت تدارکات انتخابات را بر عهده دارد، اما این شورای نگهبان است که در خصوص آمادگی یا برگزاری انتخابات نگرانی داشته باشد، صلاحیت ابطال یا توقف آن را دارد.

هیچ سازوکار قانونی برای نظارت مستقل بر انتخابات ایران، اجازه نظارت مستقل، غیرحزبی بین‌المللی یا داخلی را در هیچ مرحله‌ای از چرخه انتخابات، از جمله در هنگام فراهم کردن مقدمات انتخابات، ثبت نام نامزدها، رسیدگی به شکایات و اختلافات انتخاباتی و دوره مبارزات انتخاباتی نمی‌دهد؛ این در حالی است که از اواسط دهه ۱۹۸۰، ناظران شهروند مستقل، غیرحزبی و همچنین ناظران بین‌المللی، نقش مهمی در افزایش اعتماد عمومی و افزایش شفافیت فرآیندهای انتخاباتی در سراسر جهان ایفا کرده‌اند (National Democratic Institute, 2021: 3).

علاوه بر شورای نگهبان، نظارت بر انتخابات از سوی نامزدها نیز در قوانین انتخاباتی جمهوری اسلامی ایران پیش‌بینی شده است. بر اساس ماده ۵۵ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی: «هریک از نامزدها به‌تنهایی یا چند نامزد به‌طور مشترک می‌توانند برای شعب اخذ رای یک نفر نماینده به هیئت‌نظارت حوزه انتخابیه معرفی نمایند». این نمایندگان می‌توانند در محل شعب اخذ رای حضور داشته باشند. چنانچه تخلفی در شعب اخذ رای صورت گیرد، بدون دخالت، مراتب را به هیئت‌های اجرایی و نظارت بخش یا مراکز شهرستان به صورت کتبی اعلام خواهند نمود. حضور نمایندگان هریک از کاندیداها تا پایان اخذ رای و شمارش آراء و تنظیم صورت‌جلسه بلامانع است. ممانعت از حضور نمایندگان کاندیداها در شعب اخذ رای ممنوع بوده و جرم محسوب می‌شود و متخلف به مجازات مقرر در ماده (۸۳) قانون محکوم خواهد شد.

در انتخابات مجمع ملی جمهوری فرانسه، مراجع قانونی و ذی‌صلاح متعددی برای نظارت بر انتخابات در قانون پیش‌بینی شده است؛ که مهمترین آنها شورای قانون اساسی است. مداخله شورای قانون اساسی فرانسه در انتخابات، محدود می‌باشد و منحصر در صورتی که با نحوه برگزاری انتخابات مجلس شورا یا سنا ابراز مخالفتی شود، شورا موظف است در مورد قانونی بودن یا قانونی نبودن نحوه برگزاری انتخابات اظهار نظر کند. همانطور که ذکر شد، وفق اصل ۵۹ قانون اساسی فرانسه: «در صورت اعتراض، نسبت به حسن اجرای انتخابات اعضای مجلس شورای ملی و مجلس سنا، شورای نگهبان نظارت کامل می‌نماید». بنابراین، شورای قانون اساسی به خودی خود در انتخابات مجلسین فرانسه دخالتی نمی‌کند مگر اینکه اعتراضی در این زمینه وجود داشته باشد. این اعتراض نیز باید در مورد نحوه اجرای قوانین و مقررات انتخاباتی باشد نه قوانین انتخاباتی؛ چرا که شورا صلاحیت ورود به وضع یا تغییر قوانین انتخاباتی را ندارد. از این رو، حیطه نظارت شورای قانون اساسی بر انتخابات مجلس چندان گسترده نیست.

علاوه بر شورای قانون اساسی، چهار نهاد دولتی در قانون انتخابات فرانسه پیش‌بینی شده است که در کنار شورا، بر انتخابات‌های ریاست جمهوری و انتخابات

مجلسین فرانسه نظارت می‌کنند. این چهار نهاد عبارتند از: کمیسیون نظارت، شورای عالی سمعی و بصری، کمیسیون تبلیغات و کمیسیون ملی حسابرسی امور مالی رقابت انتخابات سیاسی. که البته نظارت این چهار نهاد دولتی بیشتر در زمینه تبلیغات انتخاباتی است و کمتر ناظر بر روند اجرای انتخابات هستند. البته در کنار نهادهای یاد شده، خود نامزدها نیز می‌توانند با اعزام نمایندگان از جانب خود به مراجع و کمیسیون‌های نظارتی مختلف برگزارکننده انتخابات، بر صحت عملیات انتخابات نظارت کنند. همچنین هر یک از شهروندان نیز در صورتی که در فهرست رای‌دهندگان ثبت‌نام کرده باشد، به صورت مستقل می‌تواند بر روند اجرای انتخابات نظارت کند و حق دارد به عنوان خواهان نسبت به انتخاب یک فرد، دادخواست تنظیم و آن را به شورای قانون اساسی ارسال کند (بزرگمهری، ۱۳۸۵: ۱۶۲-۱۶۳).

همانطور که ملاحظه می‌شود، هم جمهوری اسلامی ایران و هم جمهوری فرانسه جایگاه خاصی برای نظارت بر انتخابات در نظر گرفته‌اند. در هر دو کشور، شورای نگهبان قانون اساسی مسئول اصلی نظارت بر انتخابات است. اما در فرانسه علاوه بر شورای نگهبان قانون اساسی، تمهیداتی برای نظارت نامزدها و شهروندان مشارکت‌کننده در انتخابات نیز اندیشیده شده است. اما اگر شکایت شهروندان دارای «فقدان شواهد» تشخیص داده شود، ممکن است فردی که آن را ارائه کرده است به دلیل افتراء در دادگاه تحت تعقیب قرار گیرد. از این رو در عمل امکان طرح شکایت از طرف شهروندان در ایران وجود ندارد؛ چرا که این عمل با خطرات بالایی برای شخص شاکی همراه است. (عشقی زاده بناب، ۱۳۹۷، ۱۷۴)

همچنین در فرانسه علاوه بر نظارت شهروندان و نامزدها، در کنار شورای قانون اساسی چهار نهاد دولتی دیگر شامل؛ کمیسیون نظارت، شورای عالی سمعی و بصری، کمیسیون تبلیغات و کمیسیون ملی حسابرسی امور مالی رقابت انتخابات سیاسی بر روند انتخابات نظارت می‌کنند. از این رو، شاهد نوعی تعدد مراکز نظارتی در انتخابات فرانسه هستیم که وجه بارز همه آنها حضور پررنگ قضات است. اما در انتخابات ایران این امکان وجود ندارد و نظارت بر انتخابات عملاً در شورای نگهبان متمرکز شده است. در حوزه استقلال عمل نیز همچنان که شرح آن رفت، نهادهای نظارتی انتخابات فرانسه، به خصوص شورای قانون اساسی از استقلال عمل بیشتری برخوردار هستند و عملاً در انتخابات بی‌طرفی خود را حفظ می‌کنند. اما این امر در مورد شورای نگهبان به عنوان نهاد ناظر انتخابات در جمهوری اسلامی ایران محل تردید است.

تمایز دیگر در میزان صلاحیت شورای قانون اساسی فرانسه و شورای نگهبان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. در حالی که صلاحیت نظارتی شورای نگهبان در ایران بدوی و ذاتی است، و این شورا بر کل روند انتخابات از ابتدای نام‌نویسی نامزدها تا اعلام قطعی نتایج و تایید آنها نظارت کامل دارد، نظارت شورای قانون اساسی فرانسه بر انتخابات مجلس، بدوی و ذاتی نیست؛ بلکه شورا در صورتی صلاحیت نظارت و

رسیدگی دارد که طرح دادخواست شده باشد. به محض طرح دادخواست یا شکایت در خصوص صحت انتخابات، شورا صلاحیت تام برای رسیدگی به شکایت و دادخواست را پیدا می‌کند. (مرتضایی پیروز، ۱۳۹۷، ۱۰۳-۱۰۷)

علاوه بر نهادهای ناظر بر انتخابات، در حوزه افراد ناظر نیز تمایزاتی بین دو سیستم انتخاباتی وجود دارد. در حالی که در سیستم سیاسی فرانسه ساز و کار و ویژگی‌های افراد ناظر بر انتخابات کاملاً واضح و مشخص است و عمدتاً اشخاص حقوقی و اداری و کارمندان عالی رتبه و قضایی‌ای هستند که از طرف نهادهای قضایی معرفی می‌شوند و سمت قضایی آنها مهمتر از ویژگی‌های شخصی آنها می‌باشد؛ همین امر باعث می‌شود تا افراد انتخاب شده از دانش و تخصص کافی در زمینه مسائل حقوقی انتخابات برخوردار باشند. اما در ایران این شرایط مبهم و تفسیر بردار است، معیارهای آن به درستی مشخص نشده است و ملاک تشخیص این معیارها، برداشت‌های شخصی اعضای هیئت‌های نظارت است. همین امر دست هیئت نظارت را برای گماشتن افراد با جهت‌گیری سیاسی خاص برای نظارت بر انتخابات را باز می‌گذارد و می‌تواند استقلال ناظرین را زیر سوال ببرد؛ امری که در قانون انتخابات فرانسه مشاهده نمی‌شود. علاوه بر این، قانون انتخابات ایران خویشاوندان نسبی و سببی نزدیک نامزدها را به شرحی که بیان شد، از نظارت بر انتخابات منع کرده است. اما این امر در قانون انتخابات فرانسه وجود ندارد؛ شرطی که می‌تواند در راستای برگزاری یک انتخابات سالم و عادلانه موثر باشد. از طرف دیگر، شرط مسلمان بودن برای ناظرین انتخاباتی نشان از علائق دینی نظام حاکم بر ایران را دارد؛ امری که باعث می‌شود عملاً اقلیت‌های دینی و مذهبی برای نظارت بر انتخابات منع قانونی داشته باشند؛ اما در فرانسه این قید وجود ندارد و تمام شهروندانی که دارای شرایط ذکر شده در قانون باشند، می‌توانند فارغ از جهت‌گیری مذهبی خود از طرف نهاد مربوطه به عنوان ناظر معرفی شوند.

در حالی که ناظرین شورای نگهبان در انتخابات مجلس شورای اسلامی موظف هستند از ابتدای شروع رای‌گیری تا شمارش نهایی آراء در محل اخذ رای حضور داشته باشند، کمیسیون‌های نظارتی مختلف در انتخابات مجلس فرانسه الزامی به حضور دائمی در شعب اخذ رای ندارند و فقط به صورت تصادفی کمیسیون نظارت، ناظرین را به شعب اخذ رای اعزام می‌کند تا روند رای‌گیری را مشاهده کرده و عملاً نظارت آنها محدود به همان زمان اندکی است که در شعبه اخذ رای حضور دارند.

### ۳-۳ از حیث تبلیغات نامزدهای انتخاباتی

در حوزه تبلیغات هم جمهوری فرانسه و هم جمهوری اسلامی ایران نهادها و قوانینی برای نظارت بر روند تبلیغات نمایندگان مجلس داشته و در صدند با این قوانین

در حوزه امکانات دولتی، برابری و عدالت در استفاده از آنها را تضمین کنند و در حوزه هزینه‌کردهای شخصی، بر منابع و کمک‌های مالی و نحوه هزینه کردن آنها نظارت کنند و بدین وسیله سلامت انتخابات را تضمین نمایند. (رشیدی، ۱۳۹۵، ۱۰۴-۱۱۲)

در انتخابات مجمع ملی فرانسه چندین کمیسیون و نهاد مختلف وجود دارند که علاوه بر وظایف نظارتی بر انتخابات، بر نحوه تبلیغات و هزینه‌های مالی نامزدها نیز نظارت می‌کنند. مهمترین این نهادها: کمیسیون نظارت، شورای عالی سمعی و بصری، کمیسیون تبلیغات و کمیسیون ملی حساب‌های مبارزات انتخاباتی و بودجه‌های سیاسی که به شرح مبسوط وظایف و کارکرد آنها خواهیم پرداخت. هر چند نهادهای دیگری هم جهت نظارت بر تبلیغات انتخاباتی نامزدها وجود دارد، مانند: شورای اداری شرکت‌های ملی پخش تلویزیونی و رادیویی که در برنامه‌ریزی برای ساعات پخش برنامه‌های معرفی نامزدها مورد مشورت قرار می‌گیرد؛ مرجع عالی ارتباطات سمعی و بصری که مرجع نهایی تصمیم‌گیری برای پیش‌بینی ساعت‌های پخش برنامه‌های تبلیغات انتخاباتی نامزدها و احزاب است؛ و کمیسیون وزارت داخله که فهرست احزاب و گروه‌هایی که حق استفاده از برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی را برای انتخابات دارند، معین می‌کند (بزرگمهری، ۱۳۸۵: ۱۰۸). اما در نهایت کمیسیون‌های زیر نقش مهمتری در نظارت بر تبلیغات انتخاباتی در فرانسه ایفا می‌کنند:

در تمامی نواحی بیش از ۲۰۰۰۰ نفر سکنه، «کمیسیون‌های نظارت<sup>۱</sup>» بر عملیات رای‌گیری ایجاد می‌شوند که وظیفه بررسی منظم بودن ترکیب شعب اخذ رای و همچنین عملیات رای‌گیری، استخراج آراء و شمارش آراء را بر عهده دارند. این کمیسیون‌ها همچنین وظیفه ضمانت اجرای آزادانه حقوق رای‌دهندگان و نامزدها یا لیست‌های ارائه شده را بر عهده دارند. ریاست کمیسیون بر عهده یک قاضی دادگستری است و می‌تواند نمایندگانی را که از میان انتخاب کنندگان نواحی انتخاب می‌شوند، منصوب کند. علاوه بر رئیس، یک قضاوت ناحیه انتخاباتی از طرف ریاست دیوان استیناف و یک کارمند نیز از طرف فرمانداری به عنوان اعضای کمیسیون معرفی می‌شوند. همچنین نامزدها نیز می‌توانند نمایندگانی برای عضویت در این کمیسیون معرفی کنند. رئیس، اعضا و نمایندگان آن همه بررسی‌ها و راستی آزمایی‌های مفید را انجام می‌دهند. آنها در هر زمان به شعب اخذ رای دسترسی دارند و ممکن است چه قبل از اعلام نتایج رای‌گیری و چه پس از آن، نیاز به ثبت هرگونه مشاهدات در صورتجلسه داشته باشند. شهرداران و رؤسای شعب اخذ رای موظف به ارائه کلیه اطلاعات و ابلاغ کلیه مدارک لازم برای انجام این ماموریت می‌باشند. در پایان رای‌گیری در هر شعبه اخذ رای، کمیسیون در صورت لزوم گزارشی تهیه و به فرمانداری ارسال و ضمیمه صورتجلسه عملیات رای‌گیری می‌شود. ترکیب و شرایط تعیین و عملکرد کمیسیون‌هایی که به موجب این ماده تشکیل می‌شوند

<sup>1</sup>- Commissions de Contrôle

به موجب مصوبه شورای دولتی تعیین می‌شود (Les services de l'État dans le Cher, 10/03/2022). این کمیسیون‌ها موظفند برای آن بخش از فعالیت‌های اطلاع‌رسانی و تبلیغات که دولت مسئول انجام آن است، برنامه‌ریزی کنند و نظارت لازم را نیز بر این بخش از فعالیت‌ها به عمل آورند. هماهنگی برای پیش‌بینی اماکن مجاز الصاق پوسترها، ارسال اسناد تبلیغاتی به نشانی شهروندان و ... همگی با هماهنگی این کمیسیون‌ها صورت می‌پذیرد (بزرگمهری، ۱۳۸۶: ۱۲).

وفق بند (د) ماده (۱-۱۶۷-L): «شرایط تولید، برنامه‌ریزی و پخش برنامه‌ها، پس از مشورت شوراهای اداری شرکت‌های ملی تلویزیون و رادیو، توسط شورای عالی سمعی-بصری تعیین می‌گردد». شورای عالی سمعی و بصری یک نهاد حاکمیتی فرانسوی است که روسای پخش‌کنندگان رادیویی و تلویزیونی دولتی را منصوب می‌کند، برای پخش‌کنندگان رادیو و تلویزیون خصوصی مجوز صادر می‌کند و اعلان‌ها را دریافت می‌کند، در مورد قوانین در بخش سمعی و بصری نظرات ارائه می‌دهد، فرکانس‌های رادیو و تلویزیون را نظارت می‌کند. بیان نظرات سیاسی متفاوت را در تلویزیون و رادیو تضمین می‌کند، قوانین مربوط به مبارزات انتخاباتی را در ایستگاه‌های رادیویی و کانال‌های تلویزیونی وضع می‌کند و بر کیفیت برنامه‌ها نظارت می‌کند. این نهاد در طول انتخابات دسترسی برابر و عادلانه نامزدها (خصوصاً نامزدهای ریاست جمهوری) به رادیو و تلویزیون دولتی را تضمین و بر اجرای آن نظارت می‌کند. همچنین این نهاد بر رعایت پلورالیسم سیاسی و تکثرگرایی در رادیو و تلویزیون دولتی نظارت می‌کند و قوانین و مقررات مربوط به تولید و پخش برنامه‌های تبلیغاتی نامزدهای انتخاباتی را تهیه و تدوین می‌کند (Practical Law, 10-Jul-2006).

کمیسیون‌های تبلیغات در هر یک از حوزه‌های انتخابیه با حکم فرماندار آن ناحیه تاسیس می‌شوند. وظیفه این کمیسیون‌ها نظارت بر تبلیغات نامزدها است. به موجب مفاد ماده (۱۶۶-L) قانون انتخابات فرانسه، کمیسیون تبلیغاتی که مسئولیت ارسال و توزیع بخشنامه‌ها و اوراق رای‌دهی به رای‌دهندگان را بر عهده دارد، چند ماه پیش از انتخابات تشکیل می‌شود. اعضای این کمیسیون شامل: یک قاضی منصوب از سوی دیوان استیناف به عنوان رئیس، یک کارمند منصوب از سوی خزانه‌داری کل، یک کارمند منصوب از سوی مدیر ناحیه‌ای پُست و ارتباطات تلویزیونی است که البته نامزدها یا وکلای مالی آنها می‌توانند نمایندگان را برای حضور در این کمیسیون‌ها معرفی کنند. این کمیسیون ضمن برنامه‌ریزی برای مشارکت در تبلیغات نامزدها، بر فعالیت تبلیغات نامزدها نظارت می‌کند (بزرگمهری، ۱۳۸۵: ۱۶۱). تمام هزینه‌های این کمیسیون توسط دولت تامین می‌شود چنانکه ماده (۱۶۷-L) قانون انتخابات فرانسه مقرر می‌دارد که: «دولت هزینه‌های حاصل از عملیات انجام شده توسط کمیسیون‌های موضوع ماده (۱۶۶-L) و نیز هزینه‌های ناشی از عملکرد آنها را بر عهده دارد. علاوه بر این، بهای کاغذ، چاپ برگه‌های رای،

بیانیه‌های اعلام مواضع، همچنین هزینه‌های نصب به کاندیداهایی که حداقل ۵ درصد از آرای مآخوذه را کسب نمایند، پرداخت می‌گردد».

وفق ماده (۱۴-۵۲-۱): مقام اداری مستقلی به نام کمیسیون ملی حساب‌های مبارزات انتخاباتی و بودجه‌های سیاسی تشکیل خواهد شد. این کمیسیون شامل نه عضو است که برای مدت پنج سال به ترتیب ذیل منصوب می‌شوند:

- سه عضو و یا اعضای افتخاری شورای دولتی، تعیین شده با پیشنهاد معاون شورای دولتی و نظر اداره؛
- سه عضو یا اعضای افتخاری از دیوان عالی کشور، تعیین شده با پیشنهاد رئیس دیوان عالی کشور و نظر اداره؛
- سه عضو یا اعضای افتخاری از دیوان محاسبات، تعیین شده با پیشنهاد رئیس دیوان محاسبات با نظر روسای شعب.

آنها رئیس خود را انتخاب می‌کنند. اعتبارات و مصارف ضروری برای کمیسیون ملی حساب‌های مبارزات انتخاباتی و بودجه‌های سیاسی در بودجه عمومی دولت منظور می‌شود.

وفق ماده (۱۵-۱۵۲-۱) قانون انتخابات فرانسه، کمیسیون ملی حساب‌های مبارزات انتخاباتی و بودجه‌های سیاسی، حساب‌های مبارزات انتخاباتی را تایید و در صورت وجود مغایرت، رد و یا اصلاح می‌کند. در صورتی که کمیسیون اثبات کند که حساب مبارزات انتخاباتی در مهلت مقرر ارائه نشده، چنانچه حساب رد شده و یا در صورت مقتضی پس از اعمال اصلاحات، تجاوز از حداکثر مقرر برای مخارج انتخاباتی پدیدار شود، کمیسیون آن را به قاضی انتخابات ارجاع می‌دهد. در صورتی که کمیسیون تخلفات ماهوی را در نقض مقررات مواد (۴-۵۲-۱ تا ۱۳-۵۲-۱ و ۱۶-۵۲-۱) مشاهده کند، پرونده را به دادسرا انتقال می‌دهد. بازپرداخت کلی یا جزئی مخارج ملحوظ در حساب مبارزات انتخاباتی در زمانی که این بازپرداخت توسط قانون پیش‌بینی شده، تنها پس از تایید حساب مبارزات انتخاباتی توسط کمیسیون ممکن خواهد بود.

قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی در خصوص تبلیغات نامزدها و نظارت بر نحوه هزینه‌کردهای تبلیغاتی یکی از مهم‌ترین، ضعیف‌ترین و ناکارآمدترین قانون‌هاست. در ماده ۵۶ این قانون آمده است که آغاز فعالیت‌های تبلیغاتی نامزدها از هشت روز قبل از اخذ رای تا ۲۴ ساعت قبل از اخذ رای است. در ادامه نیز ماده ۵۷ این قانون به تبلیغات نامزدها اختصاص داشته و نحوه فعالیت‌های تبلیغاتی آنها را مشخص می‌کند. در این ماده آمده است که: «استفاده از هرگونه پلاکارد، پوستر، دیوارنویسی و کاروان تبلیغاتی و استفاده از بلندگوهای سیار در خارج از محیط سخنرانی و امثال آن به استثنای عکس برای تراکت و زندگینامه و جزوه و همچنین پرسش و پاسخ از طرف نامزدهای انتخاباتی

و طرفداران آنها ممنوع می‌باشد. متخلفین از این ماده به ۳ تا ۳۰ روز زندان محکوم می‌شوند».

علاوه بر این، ماده ۶۱ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی به طور کلی نصب و الصاق اعلامیه، عکس، پوستر، بنر و پارچه‌های تبلیغاتی را ممنوع کرده است. این ماده از قانون انتخابات یکی از عجیب‌ترین مواد این قانون است که در عمل تبلیغات انتخاباتی نامزدها را ممنوع می‌کند و با روح تبلیغات مغایر است؛ به همین دلیل عملاً و در طول فعالیت انتخاباتی نامزدها این ماده قانونی به هیچ وجه رعایت نمی‌شود و پوسترها و بنرهای تبلیغاتی در همه جای حوزه‌های انتخابیه قابل مشاهده است.

در خصوص هزینه‌های انتخاباتی، سقف مجاز هزینه‌ها، نحوه کسب حمایت‌های مالی و سقف مجاز برای کمک مالی بخش خصوصی به نامزدها، نحوه استفاده از امکانات دولتی برای تبلیغات و نظارت بر آنها باز قانون انتخابات مجلس به همین اندازه مبهم و دارای ضعف و تناقض است. مشارکت‌کنندگان در انتخابات به عنوان رای‌دهندگان و انتخاب‌کنندگان حق دارند که از رسانه‌های عمومی و پر مخاطب مانند رادیو و تلویزیون به تبلیغات نامزدها دسترسی داشته باشند. مخاطبان می‌توانند با دسترسی آسان به تبلیغات و برنامه‌های نامزدها از طریق تلویزیون، شناخت بیشتری از نامزدها کسب کرده و در انتخاب نامزد بهتر به آنها کمک کند. در حالی که در اکثر کشورهای پیشرو در عرصه دموکراسی، کشورها تلاش کرده‌اند تا دسترسی آزاد و برابر نامزدها به رسانه‌های عمومی و دولتی را تضمین کنند، ماده ۵۹ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، انجام هرگونه تبلیغات انتخاباتی را از تاریخ اعلام رسمی اسامی نامزدها برای نمایندگی مجلس از طریق صدا و سیما، میز و خطابه نماز جمعه و یا هر وسیله دیگری که جنبه عمومی داشته باشد، ممنوع کرده و مرتکبین این اعمال را مجرم شناخته است. به نظر می‌رسد که این ماده قانونی سعی داشته تبلیغات از مراجع رسمی و دولتی را برای عموم نامزدها منع کرده تا صاحب منصبان و مدیران دولتی نتوانند از جایگاه خود سوء استفاده کرده و از امکانات دولتی به نفع نامزدهایی خاص استفاده کنند. این ماده از این جهت پیشرو می‌باشد؛ اما بهتر بود قانون با شفافیت و نظارت کافی، امکان استفاده برابر همه نامزدها از امکانات دولتی را فراهم می‌ساخت. در این صورت میزان کمک و دخالت‌های بخش خصوصی در انتخابات نیز کمتر شده و نامزدها استقلال عمل بیشتری پیدا می‌کردند. (وجیهی پور، ۱۳۹۷، ۱۰۳)

ضعف قوانین در حوزه تبلیغات انتخابات مجلس شورای اسلامی باعث شد تا در سال ۱۳۹۸ قانون جدیدی با عنوان «قانون شفافیت و نظارت بر تامین مالی فعالیت‌های انتخاباتی در انتخابات مجلس شورای اسلامی» به تصویب برسد و تا حدودی قوانینی در این زمینه مدون کند؛ هر چند هنوز بعد از تصویب این قانون انتخاباتی برگزار نشده است تا توان عملی‌سازی و میزان کارآمدی این قانون سنجیده شود. وفق ماده ۳ این قانون:

امکانات و منابع قانونی تامین مالی تبلیغات و فعالیت‌های انتخاباتی نامزدهای انتخابات، اعم از نقدی و غیرنقدی و مستقیم و غیرمستقیم منحصرأ شامل موارد زیر است:

۱- اموال و دارایی شخصی نامزد؛

۲- کمک‌های احزاب و گروه‌های سیاسی؛

۳- کمک‌های اشخاص حقیقی ایرانی؛

۴- منابع و امکانات عمومی که مطابق این قانون و سایر قوانین مرتبط استفاده از آن برای انجام فعالیت‌ها و تبلیغات انتخاباتی مجاز است، از قبیل سالن‌های اجتماعات، جایگاه‌های نصب تبلیغات، امکانات و رسانه‌های صوتی و تصویری در فضای مجازی؛ ماده ۴- این قانون نیز بیان می‌کند که دریافت و پرداخت کمک مالی نقدی یا غیرنقدی برای تامین منابع مالی فعالیت‌های انتخاباتی باید شفاف بوده و هویت پرداخت‌کننده و دریافت‌کننده آن معلوم باشد.

وفق ماده ۵- حداکثر هزینه هر نامزد انتخاباتی، در هر دوره انتخابات متناسب با پراکندگی جمعیت، محدوده جغرافیایی و تعداد کرسی‌های هر حوزه انتخابیه با پیشنهاد وزارت کشور به تایید هیات مرکزی نظارت می‌رسد. میزان کمک و هدایای هر شخص حقیقی به یک نامزد یا مجموع نامزدها جهت تامین هزینه‌های انتخاباتی، حداکثر به میزان بیست درصد (۲۰٪) سقف هزینه انتخاباتی نامزد مقرر در این ماده است.

ماده ۶- هزینه‌های انتخاباتی هر داوطلب صرفاً شامل موارد زیر است: ۱- هزینه‌های مربوط به دایر کردن محل ستاد انتخابات اعم از اجاره بهای آن و هزینه‌های خدمات و حمل و نقل و سایر هزینه‌های متعارف ستاد؛ ۲- هزینه‌های برپایی تجمع عمومی مرتبط با اهداف انتخاباتی؛ ۳- هزینه‌های تبلیغات مجاز؛ ۴- هزینه و حق‌الزحمه نماینده مالی و عوامل اجرایی و کارشناسی ستادها در فعالیت‌های انتخاباتی؛ تبصره - سایر هزینه‌ها و تعهدات به جز موارد موضوع این ماده، از جمله ارائه کمک و خدمات نقدی و غیرنقدی به افراد توسط نامزد یا از طرف وی ممنوع و در حکم خرید و فروش رای محسوب می‌شود. فرمانداری‌ها و بخشداری‌ها مربوطه مکلفند ضمن ارائه تذکر کتبی و انجام اقدامات لازم جهت جلوگیری از این اقدامات، مراتب را به مراجع قضائی صالح و هیئت‌های اجرایی و نظارت گزارش دهند. همچنین بر اساس ماده ۷ و ۸ این قانون داوطلبان موظفند حسابی را جهت واریز، برداشت و هرگونه نقل و انتقال وجوه و منابع نقدی مربوط به هزینه‌های انتخاباتی تعیین یا افتتاح و یک شخص حقیقی یا حقوقی را به عنوان نماینده مالی به وزارت کشور، فرمانداری‌ها و یا بخشداری‌ها معرفی نمایند. نامزدها موظفند تمامی مصارف و مخارج مرتبط با فعالیت‌های انتخاباتی و هزینه‌های تبلیغاتی خود و منابع تامین مالی این هزینه‌ها و میزان کمک‌های مالی نقدی و غیرنقدی دریافتی را به نحو شفاف در سامانه مالی انتخابات به گونه‌ای ثبت نمایند که قابل دسترس، حسابرسی و رسیدگی باشد.

همانطور که ملاحظه می‌شود در قوانین انتخاباتی مجلس شورای اسلامی در ایران، نظارت دقیقی بر نحوه هزینه کرد نامزدها و همچنین سقف مجاز شفافیتی برای این هزینه‌ها وجود ندارد. به همین خاطر نامزدهایی که دارای تمکن مالی بیشتری باشند یا بتوانند کمک‌های مالی بیشتری جمع کنند، عملاً دست بالا را در تبلیغات انتخابات دارند. از سوی دیگر منشأ کمک‌های مالی و سقف مجاز کمک‌های اشخاص حقیقی و حقوقی به نامزدها نیز گرچه در قانون شفافیت جدید مشخص شده؛ اما به طور حتم اجرای آن با مشکلاتی مواجه خواهد شد؛ از جمله اینکه مخارجی خارج از حساب‌های رسمی انجام خواهد شد که عملاً نظارت بر آنها ممکن نبود و قانون شفافیت را بلااثر می‌کند. این امر یکی از آسیب‌های بزرگ تبلیغات انتخابات در جمهوری اسلامی ایران است و می‌تواند پای مافیای اقتصادی و قاچاقچیان و پول‌شویان را به انتخابات مجلس شورای اسلامی باز کرده و در یک کلام پول‌های کثیف را وارد تبلیغات انتخابات کند؛ امری که مورد تایید مقامات جمهوری اسلامی ایران از جمله وزارت کشور نیز بوده است.

اما بر خلاف جمهوری اسلامی ایران، قانون انتخابات فرانسه به صراحت همه موارد بالا را مشخص کرده و به طور دقیق بر آنها نظارت می‌کند. وفق بند ۴ ماده ۵۲ قانون انتخابات فرانسه: «هر کاندیدا برای انتخابات حداکثر تا تاریخی که کاندیداتوری وی ثبت می‌شود، نماینده‌ای را تعیین می‌کند. این نماینده (وکیل) می‌تواند یک انجمن مالی انتخاباتی یا یک شخص حقیقی موسوم به نماینده مالی باشد». این نماینده مالی تا تاریخ تحویل دادن حساب مبارزات انتخاباتی تمام امور مربوط به هزینه‌های انتخاباتی نامزد مزبور اعم از؛ وجوه اختصاص یافته به امر تبلیغات و کمک‌های مالی را ثبت می‌کند. در واقع تمام حساب و کتاب مالی نامزد مزبور بر عهده وکیل معرفی شده می‌باشد و این حساب‌ها باید به صورت شفاف در پایان مبارزات انتخاباتی در اختیار دولت قرار بگیرد. همچنین در بند ۸ ماده ۵۲ قانون انتخابات فرانسه میزان مجاز کمک‌های مالی به نامزدها مشخص شده است. وفق همین بند: «هدایای اهدا شده توسط شخص حقیقی کاملاً مشخص برای تامین بودجه مبارزات انتخاباتی یک یا چند کاندیدا در یک انتخابات، نمی‌تواند از ۴۶۰۰ یورو تجاوز نماید. اشخاص حقوقی به استثنای احزاب و گروه‌های سیاسی نمی‌توانند در تامین بودجه مبارزات انتخاباتی کاندیدایی مشارکت و یا به وی تحت هر عنوانی هدایایی اهدا کنند و یا اموال، خدمات یا دیگر امتیازات مستقیم و یا غیر مستقیم را به قیمتی کمتر از آنچه قیمت متعارف آنهاست برای او فراهم کنند. هر هدیه بیش از ۱۵۰ یورو به کاندیدا در جهت مبارزات انتخاباتی او باید توسط چک، حواله، برداشت اتوماتیک و یا کارت بانکی پرداخت شود. مجموع ارقام هدایای نقدی به کاندیداها نمی‌تواند از ۲۰ درصد مبلغ هزینه‌های مجاز در زمانی که چنین مبلغی با اجرای ماده (۱۱-۵۲-L) برابر یا بیشتر از ۱۵ هزار یورو باشد، تجاوز کند». بنابراین همانطور که ملاحظه می‌شود برخلاف انتخابات مجلس شورای اسلامی در ایران که میزان و نوع کمک‌های دریافتی و نحوه هزینه‌کرد آنها در قانون انتخابات مشخص نشده است، در

قانون انتخابات فرانسه کاملاً صریح و شفاف موارد مذکور بیان شده است. در جدول، زیر، سقف مجاز هزینه‌های مبارزات انتخاباتی در حوزه‌های انتخاباتی در فرانسه، مشخص شده است.

جدول شماره ۲: سقف مجاز هزینه‌های مبارزات انتخاباتی را در حوزه‌های انتخاباتی مختلف فرانسه

حداکثر هزینه‌های انتخاباتی براساس سکنه (مبلغ به یورو)				جمعیت حوزه انتخاباتی
انتخابات اعضای شورای شهر		انتخابات اعضای شوراهای عمومی	انتخابات اعضای شوراهای منطقه	
لیست‌های حاضر در مرحله دوم	لیست‌های حاضر در مرحله اول			
۱/۶۸	۱/۲۲	۰/۶۴	۰/۵۳	کمتر از ۱۵۰۰۰ سکنه
۱/۵۲	۱/۰۷	۰/۵۳	۰/۵۳	از ۱۵۰۰۱ تا ۳۰۰۰۰ سکنه
۱/۲۲	۰/۹۱	۰/۴۳	۰/۵۳	از ۳۰۰۰۱ تا ۶۰۰۰۰ سکنه
۱/۱۴	۰/۸۴	۰/۳۰	۰/۵۳	از ۶۰۰۰۱ تا ۱۰۰۰۰۰ سکنه
۱/۰۷	۰/۷۶	-	۰/۳۸	از ۱۰۰۰۰۰۱ تا ۱۵۰۰۰۰ سکنه
۰/۸۴	۰/۶۹	-	۰/۳۰	از ۱۵۰۰۰۰۱ تا ۲۵۰۰۰۰ سکنه
۰/۷۶	۰/۵۳	-	۰/۲۳	بالاتر از ۲۵۰۰۰۰ سکنه

علاوه بر این، در قانون انتخابات ایران به صراحت کاندیداهای مجلس از استفاده از امکانات دولتی منع شده‌اند و دولت نیز هزینه‌ای بابت تبلیغات به نامزدها پرداخت نمی‌کند؛ در صورتی که در فرانسه کاملاً عکس این موارد مشاهده می‌شود. بر اساس ماده (۱-۱۶۷-L): «احزاب و گروه‌ها می‌توانند از آنتن‌های سرویس عمومی رادیویی و تلویزیونی برای مبارزات انتخاباتی در انتخابات مجلس شورای قانونگذاری استفاده نمایند». همچنین وفق بند ۱۱ و ۱۲ ماده ۵۲ قانون انتخابات فرانسه: «هزینه‌های انتخاباتی کاندیدها در انتخابات مشمول بازپرداخت سهم دولت برابر با ۵۰ درصد حداکثر هزینه‌هاست. این

بازپرداخت نمی‌تواند از مبلغ مخارج اعلامی نامزدها تجاوز کند. این بازپرداخت شامل نامزدهایی نخواهد شد که در مرحله اول انتخابات کمتر از ۵ درصد آرای مآخوذه را کسب کرده و یا تخلف انتخاباتی داشته باشند».

در نهایت در مقام مقایسه می‌توان گفت نظام انتخابات فرانسه در حوزه تبلیغات بسیار قانونمندتر و شفاف‌تر بوده و به عدالت نیز نزدیک‌تر است. گرچه در هر دو نظام انتخاباتی تمهیداتی اندیشیده شده که جلوی اسراف و اتلاف سرمایه‌ها در مبارزات انتخاباتی گرفته شود و هر دو کشور نسبت به این موضوع حساس هستند، اما محدودیت‌های اعمالی در خصوص نوع پوسترها و نحوه توزیع آنها در سیستم انتخابات فرانسه در قیاس با سیستم انتخاباتی جمهوری اسلامی ایران سخت‌تر و شدیدتر بوده و البته قوانین نیز شفاف‌تر و نظارت‌ها و کنترل‌ها نیز بیشتر و موثرتر هستند.

#### ۳-۴. از حیث شرایط انتخاب‌شوندگان و انتخاب‌کنندگان

در قانون انتخابات جمهوری اسلامی ایران شرایط لازم برای رای دادن و نامزد شدن در انتخابات مجلس شورای اسلامی به شرح زیر است:

ماده ۲۷- انتخاب‌کنندگان باید دارای شرایط ذیل باشند: تابعیت کشور جمهوری اسلامی ایران؛ هجده سال تمام و عاقل بودن.

ماده ۲۸- انتخاب‌شوندگان هنگام ثبت‌نام باید دارای شرایط زیر باشند:

۱. اعتقاد و التزام عملی به اسلام؛
۲. التزام عملی به نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران؛
۳. تابعیت کشور جمهوری اسلامی ایران؛
۴. ابراز وفاداری به قانون اساسی و اصل متری ولایت مطلقه فقیه؛
۵. داشتن مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد یا معادل آن؛
۶. نداشتن سوء شهرت در حوزه انتخابیه؛
۷. سلامت جسمی در حد برخوردار از نعمت بینایی، شنوایی و گویایی؛
۸. حداقل سن سی سال تمام و حداکثر هفتادوپنج سال تمام.

تبصره ۱- داوطلبان نمایندگی اقلیت‌های دینی مصرح در قانون اساسی از التزام عملی به اسلام، مذکور در بند «۱»، مستثنی بوده و باید در دین خود ثابت‌العقیده باشند.... تبصره ۳ (الحاقی ۲۶ / ۱ / ۱۳۸۶): هر دوره نمایندگی مجلس شورای اسلامی معادل یک مقطع تحصیلی فقط برای شرکت در انتخابات محسوب می‌شود.

در ماده ۲ قانون انتخابات فرانسه نیز: «زن و مردان فرانسوی دارای ۱۸ سال تمام که از حقوق مدنی و سیاسی بهره‌مند بوده و دارای هیچ‌یک از موارد عدم اهلیت پیش‌بینی

شده در قانون نباشند، انتخاب کننده هستند». همچنین ماده ۶ بیان می‌کند که: «اشخاصی که با حکم دادگاه و در راستای اجرای قوانینی که چنین ممنوعیتی را مجاز می‌داند، از حق رای و شرکت در انتخابات محروم شده‌اند، طی مدت مقرر در حکم داده، نباید در فهرست انتخاباتی ثبت‌نام شوند». همچنین ماده ۷ این قانون نیز مرتکبین برخی جرائم را که عمدتاً جرائم انتخاباتی هستند به مدت ۵ سال از قطعی شدن حکم محکومیت از ثبت نام در فهرست‌های انتخاباتی منع می‌کند.

در خصوص شرایط لازم برای نامزدی در انتخابات مجمع ملی فرانسه نیز ماده (L-127) قانون انتخابات فرانسه چنین مقرر می‌دارد که: «همه شهروندانی که دارای ۲۳ سال تمام و شرایط انتخاب کنندگان باشند، می‌توانند با توجه به شرایط و مقررات بیان شده در موارد بعدی، برای مجلس ملی انتخاب شوند». همچنین وفق ماده (L-128): «افرادی که هزینه مبارزات انتخاباتی خود را در شرایط و مهلت مقرر در قانون تحویل نداده باشند و یا افرادی که هزینه مبارزات انتخابات آنها، بر اساس قانون رد شده باشد، به مدت یک سال صلاحیت انتخاب شدن ندارند. همچنین افرادی که هزینه‌های انتخاباتی آنها از سقف مجاز قانون تجاوز نماید، می‌توانند برای همین مدت دارای عدم صلاحیت برای انتخاب شدن اعلام شوند». همچنین طبق مواد (L-129) و (L-130) قانون انتخابات فرانسه: «افراد محکوم که محکومیت آنها مانع از ثبت نام آنها در فهرست انتخاباتی شود صلاحیت انتخاب شدن ندارند» و «افرادی که محرومیت آنها به طور موقت مانع ثبت نام آنها در فهرست انتخاباتی شود، برای مدت زمانی دو برابر مدتی که نمی‌توانند در فهرست انتخابات ثبت نام شوند، صلاحیت انتخاب شدن را ندارند».

همانطور که در بالا ملاحظه می‌شود، شرایط انتخاب کنندگان در دو کشور ایران و فرانسه تقریباً مشابه است و هر شهروندی از دو کشور که به سن قانونی ۱۸ سال برسد حق شرکت در انتخابات دارد؛ با این تفاوت که در ایران شهروند ۱۸ ساله فقط باید عاقل باشد و برای افرادی که تحت قیمومیت فرد دیگری هستند تمهیداتی پیش‌بینی نشده است. علاوه بر اینکه در ایران محکومین قضایی و کیفری نیز مجاز به رای دادن هستند. اما در فرانسه افرادی که تحت قیمومیت هستند با تشخیص یا حکم قاضی می‌توانند رای بدهند. همچنین قوانین قضایی و جزایی فرانسه همانطور که ذکر آن رفت برخی افراد مرتکب جرائمی خاص را از رای دادن منع می‌کند و حقوق مدنی و اجتماعی آنها را سلب می‌کند. در خصوص شرایط انتخاب‌شوندگان نیز قانون انتخابات فرانسه بسیار شفاف‌تر از قانون انتخابات جمهوری اسلامی ایران است. در حالی که افراد دارای صلاحیت در قانون انتخابات فرانسه به روشنی بیان شده و به صراحت بر اساس قانون می‌توان افراد فاقد صلاحیت در انتخابات این کشور را تشخیص داد، اما قانون انتخابات ایران در این زمینه شفاف نیست و بسیار تفسیربردار است. وجود شرایطی مانند التزام عملی به اسلام و نظام مقدس جمهوری اسلامی و اعلام وفاداری به قانون اساسی و شرط مترقی ولایت مطلقه فقیه، عملاً دست شورای نگهبان را برای تفسیر شرایط احراز صلاحیت نامزدها باز گذاشته

و اعضای این شورا به راحتی می‌توانند افراد را فاقد صلاحیت تشخیص دهند. در شرایطی که قانون شفاف نیست، برداشت‌های ذهنی افراد در تفسیر آن بسیار تاثیرگذار است و وجود چنین شرایطی باعث شده است تا عملاً انحصار تایید صلاحیت نامزدها در دست شورای نگهبان باشد و برداشت‌های ذهنی اعضای آن و جهت‌گیری‌های سیاسی آنها در سال‌های اخیر عملاً بخش بزرگی از سیاسیون کشور را برای حضور در انتخابات حذف نموده است؛ به همین دلیل انتقادات به عملکرد شورای نگهبان در سال‌های اخیر افزایش یافته و منتقدین این شورا را متهم به عملکرد جناحی می‌کنند. این در هر حالی است که در جمهوری فرانسه بخاطر ماهیت سکولار نظام سیاسی آن، مباحث عقیدتی جایگاهی ندارند و هر شخص فارغ از باورهای مذهبی و سیاسی خود، در صورت نبود ممنوعیت قانونی می‌تواند در انتخابات مجلس ملی نامزد شود. (ضمیری، ۱۳۹۴، ۹۱)

همچنین در قانون انتخابات دو کشور فهرستی طولانی از مشاغلی که حق نامزد شدن در انتخابات مجلس را ندارند به چشم می‌خورد. در قانون انتخابات جمهوری اسلامی ایران تمرکز این ممنوعیت بیشتر بر روی مشاغل سیاسی است و باید دو سه ماه پیش از انتخابات از شغل خود استعفا دهند تا شرایط حضور در انتخابات را داشته باشند؛ در حالی که در فرانسه علاوه بر مشاغل سیاسی، مشاغل اقتصادی و فرهنگی حتی مانند اساتید دانشگاه نیز به چشم می‌خورد و لیست این مشاغل بسیار بیشتر از جمهوری اسلامی ایران است. در حالی که نگرانی قانونگذار در جمهوری اسلامی ایران بیشتر روی عدم سوء استفاده از منابع دولتی و سوء استفاده از موقعیت شخص به نفع خود در انتخابات متمرکز بوده و به همین دلیل هم پیش‌بینی کرده که چند ماه پیش از انتخابات باید از شغل خود استعفا دهند، اما در جمهوری فرانسه بیشتر نگرانی بابت تاثیر بر روی انجام وظایف محوله آن مشاغل بوده به نحوی که برخی مشاغل باید پیش از نامزد شدن در انتخابات استعفا دهند اما برخی مشاغل دیگر می‌توانند در انتخابات نامزد شوند ولی در صورت پیروزی باید از شغل خود استعفا دهند چون مانع از انجام وظایف نمایندگی می‌شود.

### ۵-۳. از حیث کیفیت برگزاری انتخابات

بر اساس ماده ۸ قانون انتخابات مجلس، انتخابات مجلس شورای اسلامی در جمهوری اسلامی ایران یک انتخابات دو مرحله‌ای است و نامزدهایی که بتوانند در مرحله اول انتخابات حد اقل یک پنجم یعنی بیست درصد کل آراء ماخوذه را کسب کنند، پیروز انتخابات خواهند بود، در غیر این صورت انتخابات به مرحله دوم کشیده خواهد شد که براساس اکثریت نسبی خواهد بود و هر نامزدی که بتواند بیشترین میزان آراء ماخوذه را کسب کند، فارغ از درصد آن، پیروز انتخابات خواهد بود.

همانند مجلس ایران، انتخابات مجمع ملی فرانسه نیز در دو مرحله انجام می‌گیرد. با این تفاوت که در انتخابات مجمع ملی فرانسه یک نامزد برای پیروزی در مرحله اول انتخابات باید اکثریت مطلق آراء ماخوذه بعلاوه یک چهارم آراء ثبت‌نام شده در آن حوزه انتخابیه را به دست آورد. در غیر این صورت انتخابات به مرحله دوم کشیده خواهد شد. همچنین نامزدهایی که بیش از ۱۲/۵ درصد (یک هشتم) از آراء رای‌دهندگان ثبت‌نام شده را کسب کنند به دور دوم رای‌گیری راه پیدا می‌کنند که به ازای هر کرسی دو نفر که بیشترین آراء را به دست آورده‌اند در مرحله دوم حضور خواهند داشت. مرحله دوم انتخابات مجلس ملی فرانسه مانند مجلس ایران مبتنی بر اکثریت نسبی است؛ یعنی کاندیدایی که بیشترین میزان آراء ماخوذه را کسب کند پیروز انتخابات خواهد بود.

از دیگر تفاوت‌های انتخابات مجلس شورای اسلامی ایران و مجلس ملی فرانسه این است که در فرانسه هر کاندیدا همراه با یک جایگزین ثبت نام می‌شود، که در صورت عدم توانایی یا محرومیت در دوران تصدی، جای نامزد را می‌گیرد اما قانون انتخابات مجلس ایران فاقد چنین مکانیسمی است و اگر به هر دلیل نامزدی از ادامه فعالیت نمایندگی باز ماند، انتخابات میان دوره‌ای در آن حوزه انتخابیه برگزار خواهد شد و جانشین آن از این طریق جایگزین می‌شود.

از دیگر تفاوت‌های انتخابات مجلس در جمهوری اسلامی ایران و جمهوری فرانسه مکانیسم تبدیل رأی به کرسی است. در جمهوری اسلامی ایران هر نامزدی پیروز انتخابات شود، بدون محدودیتی در صورت تایید شدن اعتبارنامه‌اش از طرف مجلس، به عنوان نماینده وارد مجلس می‌شود. اما در فرانسه پس از اتمام انتخابات، مرحله اصلی انتخابات فرانسه که همان مکانیسم تبدیل رأی به کرسی است فرا می‌رسد. یک حزب یا فهرست انتخاباتی برای راه‌یابی نامزدهایش به مجلس ملی باید حداقل ۵ درصد آراء ماخوذه را کسب کند تا بتواند نماینده‌ای در مجلس ملی داشته باشد. در مرحله بعد به هر میزان درصد آراء فهرست‌های انتخاباتی بیشتر شود، به همان میزان هم کرسی‌های آنها افزایش می‌یابد تا جایی که مثلاً چنانچه یک حزب یا فهرست انتخاباتی ۴۰ درصد آراء ماخوذه را کسب کند، حداقل حدود ۶۲ درصد کرسی‌های مجلس را در اختیار خواهد داشت. همین امر باعث تبعیض فراوان در حق احزاب کوچک می‌شود و نقش احزاب و گروه‌های بزرگ و قدرتمند را در انتخابات فرانسه پررنگ‌تر می‌کند. امری که در انتخابات ایران به چشم نمی‌خورد و معمولاً نامزدها وابستگی و تعلقات حزبی نداشته و احزاب کمترین نقش را در انتخابات مجلس ایفا می‌کنند. در بهترین حالت نمایندگان مجلس ایران خود را در فهرست انتخاباتی جبهه‌های انتخاباتی مانند جبهه اصلاحات یا اصولگرایی عضو می‌کنند؛ احزاب نقش چندانی در این فهرست‌های انتخاباتی ندارند. به همین دلیل احزاب قدرتمند و تاثیرگذار در ایران هنوز شکل نگرفته‌اند؛ برخلاف فرانسه که انتخابات مجمع ملی آن با محوریت احزاب بزرگ برگزار می‌شود.

در نهایت متغیر سن نیز عاملی تعیین‌کننده در انتخابات فرانسه است. چنانچه در انتخاباتی آراء دو نامزد مساوی باشد، در ایران فرد پیروز از طریق قرعه‌کشی مشخص می‌شود اما در فرانسه شخص مسن‌تر پیروز می‌شود. همچنین در سیستم انتخابات ایران، مرحله دوم انتخابات در زمانی طولانی پس از مرحله اول برگزار می‌شود؛ زمانی حدود یک ماه. اما در انتخابات فرانسه مرحله دوم انتخابات بلافاصله هفته بعد از برگزاری مرحله اول انجام می‌گیرد. در خصوص شمارش آراء نیز در فرانسه شمارش آراء در مرحله اول در زمان کوتاهی انجام می‌گیرد اما در ایران این فرآیند ممکن است چندین روز به طول بینجامد. از طرف دیگر در سیستم انتخابات ایران، در شرایط نیاز به تغییر و تمدید ساعات رأی‌گیری در هر نقطه از کشور، فقط شخص وزیر کشور حق تصمیم‌گیری و اعلان این موضوع را دارد؛ در حالی که در فرانسه هر یک از فرمانداران صلاحیت لازم را برای تصمیم‌گیری و اعلان آن در خصوص موضوع مزبور را دارد (بزرگمهری، ۱۳۸۵: ۶۲).

### ۳-۶ از حیث نحوه اخذ رأی

در انتخابات مجلس ایران در روز انتخابات، هر رای‌دهنده یک برگه هویتی یا شناسنامه ارائه می‌کند که دارای عکس و اثر انگشت در کنار شماره شناسایی منحصر به فرد رای‌دهنده است. هر برگه رای به یک برگه رای کوچک‌تر متصل می‌شود و پس از جدا شدن آن، هیچ شناسه‌ای وجود ندارد که آن را به برگه رای متصل کند. رای‌دهندگان یک اثر انگشت را بر روی برگه کوچکتر فشار می‌دهند، که سپس از برگه رای جدا می‌شود و در یک جعبه مجزا قرار می‌گیرد. سپس رای‌دهندگان رای خود را روی برگه رای می‌نویسند - پس از رأی‌گیری، نام و شماره رای‌دهنده ثبت می‌شود (Tavana, 2013: 10).

برخلاف بسیاری از کشورها از جمله جمهوری فرانسه، ایران از فهرست رای‌دهندگان برای انتخابات خود استفاده نمی‌کند. به این ترتیب، هیچ روند ثبت نام رای‌دهندگان وجود ندارد و برای واجدین شرایط کارت رای صادر نمی‌شود. بلکه در روز انتخابات، واجدین شرایط می‌توانند در هر شعبه رای تنها با استفاده از کارت ملی و یا شناسنامه خود رای دهند تا تایید کنند که ایرانی هستند و ۱۸ سال یا بیشتر دارند. ثبت نام خودکار در فرآیند انتخابات بر اساس هویت ملی از یک سو بسیاری از موانع را برای مشارکت در انتخابات برطرف می‌کند و به تسهیل مشارکت بالای مردم کمک می‌کند. از سوی دیگر، فقدان فهرست رای‌دهندگان، بررسی انتقادی رای‌گیری غیرقانونی و چندگانه را از بین می‌برد. در بسیاری از نظام‌های دموکراتیک از جمله در انتخابات فرانسه، فهرست رای‌دهندگان از قبل تهیه و تایید می‌شود. رای‌دهندگان نیز معمولاً از قبل به یک مرکز رای‌گیری اختصاص داده می‌شوند. عدم تخصیص به یک مرکز، مستلزم چاپ و توزیع برگه‌های رای اضافی از سوی مقامات انتخاباتی برای اطمینان از وجود منابع کافی در همه شعبه‌های رای‌گیری در ایران است، که فرصتی را برای پر کردن صندوق‌ها و

رای‌گیری تقلبی فراهم می‌کند. ستاد انتخابات کشور جمهوری اسلامی ایران در تئوری از شماره کارت شناسایی ملی هر رای دهنده به عنوان یک شناسه منحصر به فرد برای بررسی نتایج در طول فرآیند جدول‌بندی و تعیین اینکه آیا یک فرد چندین رای آورده است استفاده می‌کند. با این حال، این روند شفاف نیست. علاوه بر این، چندان غیرمعمول نیست در روز انتخابات که مقامات رای‌گیری اعلام کنند که فقط کارت شناسایی ملی یا شناسنامه مدرک کافی برای اثبات هویت است. با این وجود اگر شماره‌های کارت شناسایی ملی به طور سیستماتیک در روز انتخابات جمع‌آوری نشود، این امر توانایی ستاد انتخابات کشور را برای انجام چنین حسابرسی تضعیف می‌کند.

همچنین محرمانه بودن رای که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز پیش‌بینی شده است، اجرای آن تبدیل به یکی از چالش‌های انتخابات در ایران شده است. مراکز رای‌گیری در ایران دارای اتاق‌های رای‌گیری یا صفحه‌های حفظ حریم خصوصی نیستند که در بسیاری از کشورهای دیگر از جمله فرانسه برای محافظت از رای‌گیری استفاده شده است. اگرچه محرمانه بودن رای یک هنجار بین‌المللی تثبیت شده برای برگزاری انتخابات دموکراتیک است و در متون حقوق بین‌الملل که ایران امضا کننده آن است نیز آمده است، اما شهروندان ایرانی ممکن است از این استاندارد اطلاع کافی نداشته باشند و از این موضوع غافل باشند. رای عمومی حقوق دموکراتیک آنها را نقض می‌کند.

### ۷-۳ از حیث شمارش و اعلام نتایج انتخابات

در بسیاری از کشورها، نتایج یک مرکز رای‌گیری برای بازرسی عمومی ارسال می‌شود و پس از پایان روند شمارش، رونوشتی از نتایج رسمی به نامزدها یا نمایندگان احزاب داده می‌شود. ارسال عمومی فوری نتایج باعث افزایش شفافیت و افزایش اعتماد عمومی نسبت به صحت شمارش می‌شود. با این حال، در ایران، نمایندگان کاندیداها حق دریافت نسخه شمارش رسمی را ندارند و نتایج به صورت عمومی در شعب اخذ رای منتشر نمی‌شود. در ایران وفق ماده ۲۶ قانون انتخابات مجلس، پس از پایان انتخابات، بلافاصله صورت‌جلسه نتیجه انتخابات با امضای هیئت‌اجرایی مرکز حوزه انتخابیه و هیئت‌نظارت بر انتخابات حوزه مربوطه در پنج نسخه تهیه می‌شود که یک نسخه نزد هیئت‌اجرایی مرکز حوزه انتخابیه می‌ماند و بقیه برای هیئت‌نظارت بر انتخابات مزبور و وزارت کشور (دو نسخه) و هیئت‌مرکزی نظارت بر انتخابات ارسال می‌شود.

برخلاف فرانسه، روند جدول‌بندی و اعلام نتایج در ایران غیرشفاف است. پس از بسته شدن شعب اخذ رای، معمولاً در ساعت ۸ شب، مقامات اوراق کوچک و برگه‌های رای را می‌شمارند. فقط نمایندگان شعب اخذ رای از کمیته‌های اجرایی وزارت کشور، شورای نگهبان، استاندار استان یا نمایندگان نامزدها می‌توانند روند شمارش را مشاهده

کنند (Tavana, 2013: 10). قانون انتخابات اجازه نمی‌دهد که نمایندگان نامزدها، غیرحزبی‌ها، ناظران شهروندی یا ناظران بین‌المللی نظارت مستقلی بر این روند داشته باشند تا ببینند چگونه نتایج مراکز رای‌گیری در سطوح مختلف برای تعیین نتیجه رقابت‌های مختلف با هم جمع می‌شوند. به همین ترتیب، نتایج پشت درهای بسته بدون هیچ نامزد یا شاهدان مستقلی جمع‌آوری می‌شوند. از نظر تاریخی، این فقدان شفافیت و عدم نظارت مستقل شهروندان به نگرانی‌های قابل توجه شهروندان در مورد صحت نتایج اعلام شده رسمی انتخابات کمک کرده است.

در این خصوص در انتخابات فرانسه، به محض اتمام زمان انتخابات، کار قرائت و شمارش آراء شروع می‌شود. شعبه از میان رای‌دهندگان که سواد خواندن و نوشتن دارند، تعدادی را به عنوان قرائت‌کننده رای دعوت می‌کند تا در قرائت شمارش آراء به اعضای شعبه کمک کنند. در شعبی که مجهز به دستگاه رای‌گیری و شمارش آراء باشند، ریاست شعب در پایان عملیات رای‌گیری، شمارشگر را در وضعیت جمع آرای نامزدها، فهرست نامزدها و آرای سفید قرار می‌دهد، به نحوی که برای سایرین قابل رویت باشد. بلافاصله پس از شمارش آرای یک شعبه، گزارش کتبی آن توسط منشی سالن با حضور تعدادی از رای‌دهندگان تنظیم می‌شود. گزارش در دو نسخه تهیه و توسط اعضای شعبه امضا می‌شود. نمایندگان نامزدها و یا نمایندگان فهرست نامزدها نیز این نسخ را امضا می‌کنند؛ نتایج مبتنی بر صورت‌جلسه مذکور، از سوی ریاست شعبه در محوطه شبهه الصاق می‌شود. سپس صورت‌جلسه عملیات هر شعبه ابتدا به شعب بدوی و در نهایت به شعب مرکزی حوزه انتخابیه ارسال می‌شوند. نتایج آرای هر شعبه ابتدا توسط روسای شعب در شعبه بدوی سرشماری و گزارش آنها تهیه می‌شود. این گزارش به شعبه مرکزی که مامور شمارش کلی حوزه انتخابیه است، ارسال می‌شود. در هر یک از مراحل شمارش آراء، صورت‌جلسات در دو نسخه تهیه و امضا می‌شود. یک نسخه به ضمیمه اسناد به مرجع بالاتر و یک نسخه به دبیرخانه شهرداری ارسال می‌شود (بزرگمهری، ۱۳۸۵: ۱۲۶-۱۲۸).

همانطور که ملاحظه می‌شد، در نحوه رای‌گیری مهمترین وجه تمایز انتخابات دو کشور نخست، در ثبت نام فهرست رای‌دهندگان در فرانسه و عدم وجود فهرست رای‌دهندگان در ایران است؛ که این امر یکی از مهمترین چالش‌های انتخابات ایران است و میزان کنترل مجریان و ناظران جهت برگزاری سالم انتخابات را محدود می‌کند. دوم اینکه انتخابات در هر دو کشور با رای مخفی انجام می‌گیرد اما در فرانسه زیرساخت‌های این امر وجود دارد و افراد در اتاقک‌های مخصوص به دور از چشم بقیه رای خود را به صندوق می‌اندازند؛ اما در ایران به دلیل نبود این اتاقک‌ها عملاً محرمانه بودن رای در برخی موارد با چالش مواجه می‌شود.

همچنین در خصوص شمارش آراء نیز تفاوت‌هایی بین دو کشور است. در حالی که شمارش آراء در ایران توسط مجریان و ناظران و در نهایت نمایندگان نامزدها که در

ابتدای انتخابات در شعبه حضور داشته‌اند انجام می‌گیرد، در فرانسه بلافاصله پس از اتمام رای‌گیری به انتخاب رئیس شعبه یا نماینده نامزدها یا فهرست‌های انتخاباتی، تعدادی از رای‌دهندگان به داخل شعبه دعوت شده و از آنها در قرائت و شمارش آراء کمک گرفته می‌شود که این امر به شفافیت و سلامت انتخابات کمک می‌کند. اما در ایران چنین امکانی وجود ندارد که شهروندان عادی یا نمایندگان احزاب و فهرست‌های انتخاباتی بر روند شمارش آراء نظارت کنند.

### ۳-۸ از حیث رسیدگی به تخلفات و شکایات انتخاباتی

فصل هفتم قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی ایران به جرائم و تخلفات انتخاباتی پرداخته و ماده ۶۶ این قانون به تفضیل فهرست جرائم انتخاباتی را بیان کرده است. تبصره همین ماده بیان می‌کند که: «چنانچه وقوع جرائم مندرج در این ماده موجب گردد که جریان انتخابات در یک یا چند شعبه ثبت‌نام و اخذ رای از مسیر قانونی خود خارج شود و در نتیجه کلی انتخابات موثر باشد، مراتب وسیله وزارت کشور به منظور طرح در شورای نگهبان به هیئت مرکزی نظارت اعلام می‌گردد».

همچنین فصل هشتم قانون انتخابات مجلس به بررسی شکایات و نحوه رسیدگی به آنها می‌پردازد. وفق ماده ۶۸ این قانون: «هیئت‌های اجرایی مراکز حوزه‌های انتخابیه موظف‌اند از تاریخ تشکیل هیئت‌اجرایی تا دو روز پس از اعلام نتیجه اخذ رای انتخابات، شکایات واصله را بپذیرند و حداکثر ظرف هفت روز از تاریخ دریافت شکایات، در جلسه مشترک هیئت‌های اجرایی و نظارت حوزه انتخابیه به آن‌ها رسیدگی نمایند».

تبصره ۱ این قانون مقرر می‌دارد که «کسانی که از نحوه برگزاری انتخابات شکایت داشته باشند، می‌توانند ظرف هفت روز از تاریخ اخذ رای شکایت مستند خود را به دبیرخانه شورای نگهبان نیز تسلیم دارند». همچنین تبصره ۳ همین قانون باز مقرر می‌کند که «در صورتی که شاکی بدون دلیل و مدرک کسی را متهم نماید و عمل شاکی عنوان افترا داشته باشد، قابل تعقیب و پیگیری است». وفق تبصره ۴ این ماده: «طرح و بررسی شکایات در مورد افراد، محرمانه بوده و افشای آن ممنوع است».

البته ذکر این نکته ضروری است که انجام تخلفات انتخاباتی به هیچ وجه مانع ادامه انتخابات نمی‌شود؛ انتخابات ادامه می‌یابد و هیئت‌های اجرایی موظف هستند تخلفات واقع شده را به شورای نگهبان گزارش دهند و در نهایت شورای نگهبان است که تصمیم نهایی را در خصوص تأیید یا ابطال انتخابات می‌گیرد. بر همین اساس ماده ۷۰ قانون انتخابات مجلس مقرر می‌دارد که: «هیئت‌اجرایی پس از بررسی شکایات و گزارش‌ها چنانچه تشخیص دهد که امور انتخابات در یک یا چند شعبه از جریان عادی خارج شده و صحیح انجام نگرفته است، با تأیید هیئت‌نظارت، انتخابات یک یا چند شعبه مزبور را در صورتی که در سرنوشت انتخابات موثر نباشد، باطل اعلام می‌نماید و تبصره

همین ماده بیان می‌کند که چنانچه ابطال همه و یا قسمتی از آرای یک یا چند صندوق اخذ رای در تغییر سرنوشت انتخابات موثر باشد، تصمیم با شورای نگهبان است.»

بر این اساس ماده ۷۱ تا ۷۴ این قانون به صراحت تأیید یا ابطال انتخابات را در حوزه وظایف شورای نگهبان می‌داند و تاجایی پیش رفته که در صورت تأیید انتخابات توسط شورای نگهبان، چنانچه اعضای هیئت اجرایی یا نظارت، انتخابات را تأیید نکنند مرتکب عمل مجرمانه و مشمول مجازات می‌شوند.

در فرانسه نیز فصل هفتم قانون انتخابات این کشور به بررسی جرائم انتخاباتی و مقررات جزایی آن می‌پردازد. این اعمال مجرمانه و مجازات آنها نیز به وضوح در فصل هفتم قانون انتخابات از مواد (L-۸۶ تا L-۱۱۷) بیان شده است که شرح آنها در این مجال نه می‌گنجد و نه ضرورتی دارد. همچنین در خصوص حل اختلافات انتخاباتی و مراجع رسیدگی به اعتراضات و تخلفات انتخاباتی، قانون انتخابات فرانسه حل و فصل دعاوی مربوط به تنظیم لیست‌های انتخاب‌کنندگان را بر عهده دادگاه‌های عمومی نهاده است. لذا شورای نظارت بر انتخابات که یکی مهمترین مرجع نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری است، در انتخابات مجلس دعاوی مربوط به حذف، درج و یا رد ثبت‌نام بر روی فهرست‌های انتخاباتی را بررسی نمی‌کند (ایرج و پروین، ۱۳۹۷: ۸۷). بر همین اساس ماده (L-118-1) قانون انتخابات فرانسه مقرر می‌دارد که: «دادگاه اداری با اعلام ابطال یک انتخابات به علت تقلب، می‌تواند تصمیم بگیرد که رئیس یک یا چند شعبه رای‌گیری توسط فردی که به وسیله رئیس دادگاه عالی استیناف در زمان انتخابات بخشی، پس از این ابطال تعیین می‌شود، حفاظت شوند.»

در خصوص صلاحیت شورای نگهبان قانون اساسی فرانسه در رسیدگی به جرائم انتخاباتی در مجلس ملی، وفق ماده (L-181): مراجعه به شورای قانون اساسی جز با شکایت کتبی خطاب به مسئول دفتر شورا یا استاندار، ممکن نیست. مسئول دفتر شورا بلافاصله شکایت‌های واصل شده یا اطلاع داده شده را به مجلس ملی اطلاع می‌دهد. در مواد بعدی، قانون نحوه رسیدگی به این شکایات را مشخص می‌کند. شکایات باید حاوی نام، نام خانوادگی، عنوان شاکی، نام منتخبانی که انتخاب‌شان مورد شکایت است و روش‌های درخواست ابطال باشد. شاکی باید مدارک لازم برای دفاع از روش‌های ابطال را ضمیمه شکایت کند. شورا می‌تواند استثنائاً مهلتی برای تهیه بخشی از این مدارک به شاکی بدهد. شورا می‌تواند شکایت مذکور را بر اساس مستندات رد کرده یا به نماینده-ای که انتخاب وی مورد اعتراض است و یا حسب مورد، به جانشین وی اطلاع دهد. شعبه مربوطه مهلتی را برای مطلع شدن از شکایت و مدارک نزد مدیر دفتر شورا و تهیه اظهار نظر کتبی به او می‌دهد. به محض دریافت اظهار نظرهای مذکور یا با انقضای مهلت ارائه آن اظهار نظر، پرونده به شورا ارجاع داده می‌شود تا با رأی مستدل حکم نماید. این رای بلافاصله به مجلس ملی ابلاغ می‌شود. همچنین شورا می‌تواند بر اساس مواردی که شرح آنها در قانون انتخابات آمده است (تخلف از قانون تبلیغات انتخابات و

محرومیت از انتخاب شدن برای یک سال)، عدم صلاحیت نماینده برای انتخاب شدن را اعلام نماید و اگر این کاندیدا به عنوان منتخب اعلام شده باشد، انتخاب وی را ابطال می‌نماید. شورا و شعب مربوط می‌توانند در صورت مقتضی، دستور انجام تحقیقات را داده و تمامی اسناد و گزارش‌های ارائه شده طی انتخابات، به ویژه حساب‌های مبارزات انتخابی کاندیداهای مربوطه و نیز مجموع اسناد، گزارش‌ها و تصمیمات اتخاذ شده توسط کمیسیون موضوع ماده (۱۴-ال ۱۵۲)- که مربوط به تخلفات تبلیغات انتخاباتی است- را درخواست نماید (مواد L-182 تا L-187 قانون انتخابات فرانسه).

همانطور که ملاحظه می‌شود، جرائم و تخلفات انتخاباتی در قوانین هر دو کشور به تفصیل بیان شده و مراجع رسیدگی به این تخلفات و جرائم نیز مشخص شده است. در جمهوری اسلامی ایران پس از برگزاری انتخابات، کاندیداها و شهروندان به مدت ۷ روز مهلت دارند تا شکایت خود را در مراجع ذیصلاح ثبت کنند در حالی که این مهلت در قانون فرانسه ۱۰ روز است. همچنین در انتخابات مجلس شورای اسلامی ایران تا انتخابات دور اول از جانب وزارت کشور و شورای نگهبان تایید قطعی نشود، انتخابات در دوم برگزار نخواهد شد، در حالی که در جمهوری فرانسه رسیدگی به تخلفات و جرائم انتخاباتی بعد از برگزاری مرحله دوم انتخابات صورت می‌گیرد و این امر می‌تواند باعث تضییع حقوق کسانی شود که در صورت ابطال انتخابات یا فاقد صلاحیت اعلام شدن فرد انتخاب شده، می‌توانستند به دور دوم انتخابات راه پیدا کنند. همچنین در جمهوری اسلامی ایران نیز مانند فرانسه اگرچه سازوکارهای قانونی برای کاندیداها و همچنین شهروندان وجود دارد تا نتایج انتخابات را در یک شعبه اخذرای خاص با دبیرخانه شورای نگهبان یا نماینده شورا در هر منطقه به چالش بکشند، اما هیچ مهلتی برای مقامات انتخاباتی برای صدور رای در مورد چنین ادعاهایی وجود ندارد. هیئت‌های انتخابات با حضور نمایندگان شورای نگهبان برای رسیدگی به شکایات و ضمیمه گزارش و ارسال آن به وزارت کشور تشکیل جلسه می‌دهند. علاوه بر این، اگر شکایت دارای «فقدان شواهد» تشخیص داده شود، ممکن است فردی که آن را ارائه کرده است به دلیل افترا در دادگاه تحت تعقیب قرار گیرد. این جنبه‌های چارچوب انتخاباتی ممکن است تاثیر بازدارنده قابل توجهی بر تمایل شهروندان برای ارائه شکایات انتخاباتی معتبر به مقامات ذیصلاح داشته باشد.

در سیستم انتخابات فرانسه محرومیت از حق رای در انتخابات آتی به عنوان یک مجازات مشترک برای مجموعه تخلفات پیش‌بینی شده است، در حالی که در سیستم انتخابات جمهوری اسلامی ایران، فقط محرومیت از صلاحیت کاندیدا شدن و یا محرومیت از شرکت در هیئت‌های اجرایی و نظارتی و در مواردی اندک انفصال از خدمات دولتی به عنوان مجازات پیش‌بینی شده است (بزرگمهری، ۱۳۸۵: ۱۴۵).

علاوه بر این در سیستم انتخاباتی دو کشور در صورت وقوع جرائم و تخلفات انتخاباتی، دو نوع مجازات نقدی و حبس برای متخلفان در نظر گرفته شده است؛ که در

این زمینه قانون انتخابات فرانسه بسیار سخت‌تر و محکم‌تر برخورد نموده است. در حالی که حد اعلاء و نهایت مجازات پیش‌بینی شده در قانون انتخابات ایران وفق ماده ۷۶ قانون انتخابات ۱۵ میلیون ریال است و در خصوص حبس نیز چیزی در قانون انتخابات مجلس ایران پیش‌بینی نشده است و چنانچه جرائمی خارج از جرائم انتخاباتی مانند درگیری و ضرب و جرح حادث شود، بر اساس قانون مجازات کشور با فرد متخلف برخورد می‌شود. این در حالی است که فرانسه وفق ماده ۹۱ قانون انتخابات خود حتی تا سقف ۷۵ هزار یورو نیز پیش‌بینی کرده است که به هیچ وجه قابل مقایسه با جزای نقدی در قانون انتخابات ایران نیست. همچنین در حوزه حبس نیز در نظام انتخاباتی فرانسه حبس‌های ۵ تا ۲۰ سال نیز در نظر گرفته شده است. از این رو به وضوح می‌توان دریافت که میزان مجازات مشخص شده در قانون انتخابات فرانسه در هیچ حوزه‌ای قابل مقایسه با مجازات‌های مشخص شده در قانون انتخابات جمهوری اسلامی ایران نیست.

### نتیجه‌گیری

هم جمهوری اسلامی ایران و هم جمهوری فرانسه در نظام انتخاباتی خود مشابهت‌ها و تفاوت‌هایی دارند. همانند مجلس ایران، انتخابات مجمع ملی فرانسه نیز در دو مرحله انجام می‌گیرد. با این تفاوت که در انتخابات مجمع ملی فرانسه یک نامزد برای پیروزی در مرحله اول انتخابات باید اکثریت مطلق آراء ماخوذه بعلاوه یک چهارم آراء ثبت نام شده در آن حوزه انتخابیه را به دست آورد. در غیر این صورت انتخابات به مرحله دوم کشیده خواهد شد. همچنین نامزدهایی که بیش از ۱۲/۵ درصد (یک هشتم) از آراء رای‌دهندگان ثبت‌نام شده را کسب کنند به دور دوم رای‌گیری راه پیدا می‌کنند که به ازای هر کرسی دو نفر که بیشترین آراء را به دست آورده‌اند در مرحله دوم حضور خواهند داشت. مرحله دوم انتخابات مجلس ملی فرانسه مانند مجلس ایران مبتنی بر اکثریت نسبی است؛ یعنی کاندیدایی که بیشترین میزان آراء ماخوذه را کسب کند پیروز انتخابات خواهد بود. در جمهوری اسلامی ایران هر نامزدی پیروز انتخابات شود، بدون محدودیتی در صورت تایید شدن اعتبارنامه‌اش از طرف مجلس، به عنوان نماینده وارد مجلس می‌شود. اما در فرانسه پس از اتمام انتخابات، مرحله اصلی انتخابات فرانسه که همان مکانیسم تبدیل رای به کرسی است فرا می‌رسد. در این مرحله هرچه میزان آراء یک فهرست انتخاباتی بیشتر شود، تعداد کرسی‌های تصاحب شده توسط آن به طور تصاعدی بالا می‌رود. بنابراین این سیستم انتخاباتی در عمل به نفع احزاب بزرگ و به زیان احزاب کوچک است. به همین دلیل معمولاً احزاب ترجیح می‌دهند که به سمت ائتلاف‌های انتخاباتی رفته و چند حزب با هم ائتلاف کنند تا سهم بیشتری از کرسی‌های مجلس به دست آورند.

در حوزه اجرای انتخابات نیز تفاوت‌هایی بین دو کشور وجود دارد. مهمترین وجه تمایز بین دو نظام انتخاباتی مجمع ملی فرانسه و مجلس شورای اسلامی در جمهوری اسلامی ایران در زمینه مجریان انتخاباتی، شیوه انتخاب مسئولین شعب اخذ رای است. در سیستم انتخاباتی جمهوری اسلامی ایران فرماندران و بخشداران به عنوان مقام دولتی اقدام به انتخاب معتمدین محلی می‌کنند. از دیگر تمایزات هیئت‌های اجرایی در انتخابات ایران و فرانسه می‌توان به صلاحیت‌های لازم برای عضویت در هیئت‌های اجرایی و شعب اخذ رای اشاره کرد. در حوزه نظارت نیز هم جمهوری اسلامی ایران و هم جمهوری فرانسه جایگاه خاصی برای نظارت بر انتخابات در نظر گرفته‌اند. در هر دو کشور، شورای نگهبان قانون اساسی مسئول اصلی نظارت بر انتخابات است. اما در فرانسه علاوه بر شورای نگهبان قانون اساسی، تمهیداتی برای نظارت نامزدها و شهروندان مشارکت‌کننده در انتخابات نیز اندیشیده شده است. اما در ایران اگر شکایت شهروندان دارای «فقدان شواهد» تشخیص داده شود، ممکن است فردی که آن را ارائه کرده است به دلیل افترا در دادگاه تحت تعقیب قرار گیرد. همچنین در فرانسه علاوه بر نظارت شهروندان و نامزدها،

در کنار شورای قانون اساسی چهار نهاد دولتی دیگر شامل کمیسیون نظارت، شورای عالی سمعی و بصری، کمیسیون تبلیغات و کمیسیون ملی حسابرسی امور مالی رقابت انتخابات سیاسی بر روند انتخابات نظارت می‌کنند. از این‌رو، شاهد نوعی تعدد مراکز نظارتی در انتخابات فرانسه هستیم که وجه بارز همه آنها حضور پررنگ قضات است. اما در انتخابات ایران این امکان وجود ندارد و نظارت بر انتخابات عملاً در شورای نگهبان متمرکز شده است. در حوزه استقلال عمل نیز نهادهای نظارتی انتخابات فرانسه، به خصوص شورای قانون اساسی از استقلال عمل بیشتری برخوردار هستند و عملاً در انتخابات بی‌طرفی خود را حفظ می‌کنند. همچنین در حالی که صلاحیت نظارتی شورای نگهبان در ایران بدوی و ذاتی است، و این شورا بر کل روند انتخابات از ابتدای نام‌نویسی نامزدها تا اعلام قطعی نتایج و تایید آنها نظارت کامل دارد، نظارت شورای قانون اساسی فرانسه بر انتخابات مجلس، بدوی و ذاتی نیست؛ بلکه شورا در صورتی صلاحیت نظارت و رسیدگی دارد که طرح دادخواست شده باشد.

در مجموع می‌توان گفت در انتخابات مجلس شورای اسلامی ایران و انتخابات مجمع ملی فرانسه تفاوت‌هایی شامل حوزه‌های نظارت، برگزاری انتخابات، تبلیغات، نحوه رای دادن و شمردن آراء، شرایط نامزدی در انتخابات و شرایط رای دادن، کیفیت انتخابات و نحوه رسیدگی به شکایات و جرائم انتخاباتی وجود دارد. در همه این حوزه‌ها انتخابات مجلس شورای اسلامی در ایران با انتخابات مجمع ملی در فرانسه متفاوت است که مهمترین این تفاوت‌ها نیز در حوزه نظارت و اجرا است. در نهایت می‌توان گفت در انتخابات‌های فرانسه شاهد تکرر مراجع نظارتی و نقش پررنگ مردم در نظارت و اجرای انتخابات هستیم. در حالی که در انتخابات ایران تمرکز اجرا در وزارت کشور و تمرکز نظارت در شورای نگهبان است. همچنین در فرانسه نقش افراد حقوقی و قضایی از جمله قضات و ارکان قضایی کشور در نظارت و اجرای انتخابات بسیار پر رنگ‌تر از جمهوری اسلامی ایران است.

کتاب‌نامه

الف- به زبان فارسی

۱. ایرج، محسن و خیرالله پروین (۱۳۹۷)، «نقش دادرسی اساسی در حفظ و صیانت از انتخاب (رأی) مردم در فرانسه و ایران»، پژوهشنامه حقوق اسلامی، دوره ۱۹، شماره ۱، پیاپی (۴۷)، صص ۶۹-۹۰.
۲. ایوبی، حجت‌الله و مجید رسولی (۱۳۹۱)، «پیامدهای سیاسی انتخابات فرانسه»، فصلنامه مطالعات جهان، دوره ۲، شماره ۲، پاییز و زمستان، صص ۲۰۳-۲۳۲.
۳. بزرگمهر، مجید (۱۳۸۵)، بررسی تطبیقی نظام انتخاباتی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری فرانسه (مجالس قانون‌گذاری ملی و ریاست جمهوری)، تهران، نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول.

۴. قهرودی، سمیرا (۱۳۹۸)، مطالعه آسیب‌شناسانه سازوکارهای تضمین انتخابات سالم در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه شهید بهشتی.
۵. کاشفی‌زاده، سعیدرضا (۱۳۹۷)، عملکرد وزارت کشور در سیستم انتخاباتی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه شهید بهشتی.
۶. مشهودی، فلامک (۱۳۹۷)، مطالعه تطبیقی نظام انتخاباتی در ایران و آمریکا، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه تربیت مدرس.
۷. حیدری‌زاده، سمیه (۱۳۹۷)، بررسی وظایف و صلاحیت‌های نهادهای مجری انتخابات در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه تهران.
۸. جولایی، ابراهیم، جایگاه حقوقی ستاد انتخابات کشور در نظام انتخاباتی ایران از منظر حقوق عمومی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه علامه طباطبایی.
۹. وروایی، سیروس (۱۳۹۷)، آسیب‌شناسی دوره‌ای بودن دوره ریاست جمهوری و نمایندگی مجلس در ایران از منظر تضمین انتخاب آگاهانه شهروندان در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه شهید بهشتی.
۱۰. عشقی‌زاده بناب، اسماعیل (۱۳۹۷)، سازوکارهای حمایت از حریم خصوصی و حیثیت نامزدها در انتخابات در ایران، فرانسه و آمریکا، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه شهید بهشتی.
۱۱. مرتضایی پیروز، سیدرضا (۱۳۹۷)، بررسی تطبیقی صلاحیت‌های شورای نگهبان در ایران و شورای قانون اساسی در فرانسه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه تهران.
۱۲. رشیدی، علیرضا (۱۳۹۵)، نقش تبلیغات انتخاباتی در تضمین انتخابات سالم و آگاهانه (مطالعه تطبیقی در ایران و چند کشور)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه شهید بهشتی.
۱۳. وجیهی‌پور، فرانک (۱۳۹۷)، تضمین استفاده برابر نامزدهای انتخاباتی از امکانات دولتی در دوران تبلیغات، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه تهران.
۱۴. ضمیری، عباس (۱۳۹۴)، نظارت استصوابی و نقد آن در عملکرد شورای نگهبان در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه تهران.

- Blais, Andre and Peter John Loewen (2009). "The French Electoral System and its Effects", West European Politics, Vol. 32, No. 2, March, PP. 345-359. ۱۵
- Blais, Andre, and Indridi Indridason (2007). "Making Candidates - Count: The Logic of Electoral Alliances in Two Round Legislative Elections", Journal of Politics, N. 69, PP. 193-205. ۱۶
- Blais, Andre, and Louis Massicotte (1997). "Electoral Formulas: A Macroscopic Perspective", European Journal of Political Research, N. 32, PP. 107-129. ۱۷
- Golder, Sona (2006). "Pre-Electoral Coalition Formation in Parliamentary Democracies", British Journal of Political Science, N. 36, PP. 193-212. ۱۸
- LIU, Eva (2000). "Systems of Government in Some Countries: France". Research and Library Foreign Services Division Legislative Council Secretariat. 5th Floor, Citibank Tower, 3 Garden Road, Central, Hong Kong. Pp. 1-34. At: <http://legco.gov.hk>. ۱۹
- Mirdamadi, Serajedin (2009). "A Technical Look at the Tenth Presidential Election." Gozaar: A Forum on Human Rights and Democracy in Iran. Freedom House, 22 July 2009. At: <http://www.gozaar.org/english/articles-en/A-Technical-Look-at-the-Tenth-Election.html>. ۲۰
- Rae, Douglas (1971). The Political Consequences of Electoral Laws, New Haven, CT: Yale University Press. ۲۱
- Taagepera, Rein (1986). "Reformulating the Cube Law for Proportional Representation Elections", American Political Science Review, N. 80, Pp.489-504. ۲۲
- Tavana, Daniel (2013). "A Guide to Iran's Presidential Election", Project on Middle East Democracy, At: <http://pomed.org/iran-election-guide-2013>. ۲۳

ج- به زبان فرانسوی

۲۴. “Audiovisual Superior Council (Conseil Supérieur de l'Audiovisuel) (10-Jul-2006). (CSA)”, Practical Law, At: [https://uk.practicallaw.thomsonreuters.com/3-203-3728?transitionType=Default&contextData=\(sc.Default\)&firstPage=true](https://uk.practicallaw.thomsonreuters.com/3-203-3728?transitionType=Default&contextData=(sc.Default)&firstPage=true).

۲۵. “Commissions de Contrôle Des Listes électorales” (10/03/2022). Les services de l'État dans le Cher, At: <https://www.cher.gouv.fr/Politiques-publiques/Citoyennete-et-elections/Elections/Elections/Commissions-de-contrôle-des-listes-electorales/Commissions-de-contrôle-des-listes-electorales>

## د- قوانین و مقررات مصوب

۲۶. آیین‌نامه اجرایی انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۷۲/۲/۱۱.
۲۷. آیین‌نامه اجرایی انتخابات مجلس شورای اسلامی، مصوب ۱۳۷۸/۹/۲۱.
۲۸. قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۶۴/۴/۵ و اصلاحی ۱۳۹۱/۱۰/۲۶.
۲۹. قانون انتخابات فرانسه (۱۳۸۹). ترجمه محمدهادی، تهران: انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۳۰. قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، مصوب ۱۳۷۸/۹/۷ و اصلاحی ۱۳۹۵/۳/۳.
۳۱. قانون شفافیت و نظارت بر تامین مالی فعالیت‌های انتخاباتی در انتخابات مجلس شورای اسلامی، مصوب ۱۳۹۸/۱۱/۶.
۳۲. قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران، مصوبه ۱۳۶۰/۴/۱۰، روزنامه رسمی شماره ۱۳۶۰/۵/۷۱۰۶۰۷.
۳۳. قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات مجلس شورای اسلامی، مصوب ۱۳۵۹/۷/۳.